

لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۴)

علی کریمی مله^۲ * میثم بلباسی^۳

چکیده

برنامه‌های توسعه از اسناد فرادستی مهم نظام جمهوری اسلامی ایران است که آینده مطلوب را در میان مدت ترسیم می‌کند. یکی از حوزه‌های مغفول در این برنامه که کمتر به آن توجه شده، جایگاه هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه است، چراکه هویت به عنوان عامل کنترل‌کننده توسعه، تضمین‌کننده پایداری فرهنگی بوده و می‌تواند موجبات پیشرفت را فراهم کند. سؤال اصلی این است که لایه‌های هویت ملی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران چگونه است. برای پاسخ به سؤال، از روش تطبیقی - تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد: هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه، ترکیبی از سه لایه هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت متجددانه با عناصر و مؤلفه‌های مختلف است که اهمیت و برجستگی لایه‌ها و عناصر هویت ملی، تابعی از گفتمان‌های دولت‌های حاکم در زمان تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه مزبور است.

واژگان کلیدی: هویت، برنامه‌های توسعه، هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت متجددانه

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره هجدهم، بهار ۹۵، صص ۵۷-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۱۰

- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مقایسه‌ای برجستگی عناصر هویت ایرانی در اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران» در دانشگاه مازندران است.
- استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (akm10@umz.ac.ir)
- دانشجوی دکترای مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول (belbasi.meisam@ut.ac.ir)

مقدمه

برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به صورت پنج ساله و توسط دولت وقت تنظیم شده و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. بعد از انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ ایران و عراق، امکان اجرای برنامه توسعه ۱۳۶۶-۱۳۶۲ کشور را از بین برد، اما در سال ۱۳۶۸ و پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی هشت ساله، زمینه و منابع لازم برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده و ایجاد برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه کشور فراهم شد. بنابراین اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. همچنین پس از برنامه اول نیز چهار برنامه توسعه دیگر هم توسط دولت‌های مختلف (با گفتمان‌های متمایز از هم) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مورد اجرا قرار گرفت که در حال حاضر برنامه پنجم نیز در حال اجراست. یکی از شیوه‌های بررسی سیاست فرهنگی و هویتی پساانقلابی در جمهوری اسلامی، بررسی اسناد رسمی است که در حوزه فرهنگ و هویت وجود دارد و می‌توان اصول سیاست فرهنگی و هویتی جمهوری اسلامی را از آنها استنباط کرد. البته بازبینی این اسناد تنها ارزش‌ها و آرمان‌های حاکم بر آنها را آشکار می‌کند. این اسناد دو دسته هستند: نخست آن دسته از اسنادی که تغییرناپذیرند و جابه‌جایی در کارگزاران فرهنگی، دگرگونی در آنها ایجاد نمی‌کند (مانند قانون اساسی) و دوم، اسنادی که با تغییر در کارگزاران فرهنگی، به تبع تغییر در دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی، تغییر می‌کنند (مانند برنامه‌های توسعه). در واقع، گفتمان‌های فرهنگی و هویتی حاکم نیز در فاصله بین این دو فضای ثابت - متغیر پدید آمده‌اند. کارگزاران فرهنگی ملزم به اجرای برخی اسناد ثابت و تعیین محتوای برخی اسناد متغیر بوده‌اند که همین امکان تغییرپذیری، موجب می‌شود کارگزاران فرهنگی مختلف، رویه‌های مختلفی در پیش گیرند و گفتمان‌های فرهنگی و هویتی متفاوتی را رقم زنند (صدیق‌سروستانی و زائری، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۹).

در مقاله حاضر با رویکردی بر گفت‌وگوهای حاکم دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی در ایران، به بررسی لایه‌ها و عناصر هویت ملی ایرانی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. سؤال اصلی مورد بررسی عبارت است از: لایه‌های هویت ملی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۴) چگونه است و دارای چه عناصر و مؤلفه‌هایی است؟ بر این اساس، فرضیه این مقاله به این شکل بیان می‌شود: به نظر می‌رسد هویت ملی ایرانی، در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران؛ به‌عنوان یک نقشه راه و اسناد بالادستی کشور، ترکیبی از سه لایه هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت متجددانه با عناصر و مؤلفه‌های مختلف است که در آن اهمیت و برجستگی لایه‌ها و عناصر هویت ملی، تابعی از گفت‌وگوهای دولت‌های حاکم در زمان تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه مزبور است.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، تطبیقی - تحلیلی است. روش مقایسه‌ای یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تحقیق در عرصه علوم سیاسی است، به طوری که ارسطو در کتاب سیاست خود برای تفکیک حکومت‌ها از این روش بهره برده است. مقایسه یکی از طبیعی‌ترین فعالیت‌های انسانی است. انسان دائماً در حال مقایسه پدیده‌های مختلف با یکدیگر است. شناخت پدیده‌ها از طریق کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با یکدیگر بنیان روش مقایسه‌ای است. در مطالعات مقایسه‌ای از هر دو روش کیفی و کمی استفاده می‌شود. روش‌های کیفی مورد استفاده در مطالعات مقایسه‌ای در پی فهم صفات، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های واحد تحلیل هستند (منوچهری، ۱۳۹۲: ۲۶۵-۲۵۴).

در پژوهش حاضر، همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوای کیفی نیز بهره گرفته می‌شود. تحلیل محتوا پیش از هر چیز در مورد متن‌های نوشته به کار می‌رود. از این لحاظ تمام گونه‌های سند را می‌توان تابع این روش کرد. فکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها، پاراگراف‌ها و مانند آن، بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌کنیم در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده‌اند. تجزیه و تحلیل کیفی عبارت است از: بررسی کیفیت محتویات اعلامیه‌ها و تبلیغات و گزارش‌های منابع مختلف. در این روش، بیشتر بر روی لغات و اصطلاحات به کار برده

شده توجه می‌شود و هدف محقق یا متخصص، پی بردن به تغییرات خط‌مشی‌های سیاسی به وسیله مقایسه کلمات و اصطلاحات قبلی با کلمات و اصطلاحاتی است که به تازگی به کار برده شده‌اند (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۰). فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی است. به عبارت دیگر، از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک (برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران)، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

- «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، عنوان مقاله‌ای است به قلم سیدمحمد رضایی و محمدصادق جوکار (۱۳۸۸) که در آن در ابتدا به چارچوب مفهومی ناسیونالیسم مدنی، ناسیونالیسم قومی و نظریه امت - ملت می‌پردازند و شاخص‌های هر کدام از آنها را مطرح می‌کنند. سپس نویسندگان عناصر و ارکان هویت ملی در قانون اساسی را مورد بازشناسی قرار می‌دهند و بر مؤلفه‌های هویتی چون دین اسلام و مذهب شیعه، زبان مشترک، خط مشترک، تاریخ و پرچم رسمی کشور تأکید می‌ورزند. در ادامه «ما»های ارائه شده در قانون اساسی را در سه سطح مای ایرانی، مای اسلامی و مای انسانی مطرح می‌کنند و پس از آن به دیگرها یا غیر در قانون اساسی می‌پردازند.

- کتاب «آسیب‌شناسی مبانی و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته مجید بیات و دیان جانباز (۱۳۹۰) است. این کتاب به بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است. هدف از نگارش این کتاب، بررسی مبانی تئوریک در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی از طرفی و سیر فرایند آن از طرف دیگر است. ساختار اصلی کتاب نیز بر همین مبنا استوار است، به طوری که پس از بیان چستی سیاست‌گذاری فرهنگی، به بررسی مبانی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قالب حکمت، عرفان، اندرزنامه، فقه و ایدئولوژی می‌پردازد. سپس به بررسی سیر سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون اساسی و برنامه‌های توسعه اول تا چهارم اشاره می‌شود. در فصل چهارم، به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

- مینا اصفهانی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی برنامه‌های فرهنگی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی»، پس از ارزیابی بخش

فرهنگی در برنامه‌های توسعه، جایگاه بخش فرهنگی در برنامه‌های توسعه، چالش‌ها، کاستی‌ها و نقایص آنها را ذکر کرده و در نهایت مهم‌ترین مشکلات کلی که این برنامه‌ها به آن مبتلا می‌باشند را بیان می‌کند. وی معتقد است: در بخش فرهنگ، علی‌رغم فعالیت‌های انجام گرفته در زمینه اهداف کمی و تحقق آنها، همان‌گونه که ارزیابی برنامه اول، دوم و سوم توسعه نشان می‌دهد، سیاست‌های کیفی و کلان محقق نشد و علت نیز این بود که بین این دو حلقه، اتصال وجود نداشت. به عبارت دیگر، به علت نبود راهکارهای عملیاتی بین اهداف کمی و کیفی و عدم تناسب آنها با هم، اهداف کیفی مورد نظر محقق نشد.

- «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی» عنوان کتابی است به قلم سیدرضا صالحی‌امیری و امیر عظیمی‌دولت‌آبادی (۱۳۸۷) که در پنج بخش آن را تنظیم نموده‌اند. بخش اول به مبانی نظری اختصاص دارد. در بخش دوم مباحث مربوط به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی گنجانده شده است. بخش سوم به بحث سیاست فرهنگی در جهان متغیر اختصاص یافته است. بخش چهارم کتاب که شامل بیشترین حجم کتاب می‌شود به بررسی آسیب‌شناسانه ساماندهی فرهنگی در ایران اختصاص دارد که در فصل اول این بخش، قوانین و مقررات فرهنگی و نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم رویکردهای موجود در زمینه بررسی عملکرد سازمان‌های فرهنگی مورد تحلیل قرار گرفته است. بخش آخر کتاب شامل مباحث مربوط به نظارت و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی است.

- علی کریمی و میثم بلباسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی برجستگی عناصر هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، به دنبال پاسخ به این سؤال برآمدند که برجستگی عناصر و لایه‌های هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ دستاوردهای پژوهشی آنها، نشان می‌دهد که جایگاه هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست ساله، ترکیبی از سه بُعد هویت اسلامی - انقلابی با ۱۳ مؤلفه؛ هویت ایرانی با ۸ مؤلفه و هویت متجددانه با ۴ مؤلفه است. همچنین با بررسی لایه‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی در سند چشم‌انداز، مشخص شد که لایه هویت اسلامی، از وزن و برجستگی بیشتری نسبت به لایه هویت ایرانی و لایه هویت متجددانه برخوردار است.

- تقی آزاد ارمکی و نوح منصوری (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران؛ بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه» سیاست‌های فرهنگی کنونی ایران را بر اساس سه متن مذکور با روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی ایران واجد ویژگی‌های مثبتی از جمله ساخت ارزش‌ها و مفاهیم والا، مقابله با فرهنگ مهاجم جهانی، ممانعت از سوداگری در فرهنگ و توجه به زیرساخت‌های فرهنگ است. همچنین مشکلات و ویژگی‌های منفی سیاست‌های فرهنگی ایران عبارت است از: وسعت مفهوم فرهنگ، کلی بودن، دولتی بودن، ابهام، تناقض و عدم اولویت‌بندی و تفکیک مناسب.

در نهایت، در مجموع مباحثی که در بخش پیشینه پژوهش مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که تا کنون چندین پژوهش در زمینه هویت ملی ایرانی و مؤلفه‌های آن در اسناد مختلف (مانند قانون اساسی و سند چشم‌انداز) صورت گرفته است. اما در ارتباط با جایگاه هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران هیچ اثر قابل توجهی وجود ندارد و فقط به صورت پراکنده چند اثر در ارتباط با جایگاه فرهنگ در برخی از برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران وجود دارند. بنابراین به جرئت می‌توان گفت که تا کنون پژوهشی که به بررسی هویت ملی ایرانی در همه برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران بپردازد، وجود ندارد. تفاوت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های گذشته در این است که به صورت هم‌زمان، برنامه‌های اول تا پنجم توسعه را در ارتباط با هویت ملی ایرانی و همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان را مورد بررسی مقایسه‌ای قرار می‌دهد، که بداعت پژوهش حاضر نیز در همین نکته است.

۳. مفاهیم اصلی پژوهش

۳-۱. هویت

هویت پاسخی است که افراد به پرسش «من کی هستم» و «متعلق به کجا هستم» می‌دهند (Oyserman, 2004: 5). مفهوم هویت، نخست با انتشار کتابی به نام «جماعت تنها» در سال ۱۹۵۰ میلادی و سپس با انتشار کتاب دیگری در سال ۱۹۶۰ به نام «هویت و اضطراب» مطرح می‌شود. در عرصه علوم اجتماعی، هم روان‌شناسان و هم جامعه‌شناسان به مفهوم هویت توجه کرده‌اند. در حوزه‌های مختلف علمی، تعاریف متعدد و گوناگونی درباره

چیستی هویت و انواع آن بیان شده است. فروید و اریکسون دو تن از روان‌شناسانی هستند که توجه ویژه‌ای به هویت دارند و هویت را امری ایستا نمی‌بینند و به عبارتی، خود را امری ایستا تعریف نکردند (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲). اگر بخواهیم تعریفی از هویت (فارغ از اینکه چه نوع هویتی باشد) ارائه دهیم، باید گفت انسان خود را بر اساس رابطه‌ای که با یک پدیده دارد شناسایی و به دیگران معرفی می‌کند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). هویت امری است که همواره در ارتباط با افراد دیگر در جامعه شکل می‌گیرد؛ به طوری که گفته‌اند بنیان هویت، شناسایی شباهت‌ها با گروهی از افراد و احساس تفاوت با دیگران است (Woodward, 2000: 34). هویت، همان‌گونه که ساروپ تأکید می‌کند، مفهومی بین درون و بیرون، فرد و جامعه است و ابزاری محسوب می‌شود که می‌توان از طریق آن، بسیاری از جنبه‌های شخصی و فلسفی و سیاسی زندگی را درک کند (Sarup, 1996: 28). در واقع هویت به شکل فرایند و سازوکاری است که بیشتر به صورت شکلی از آگاهی و شناخت آشکار می‌شود و در جامعه نوعی انسجام، یکپارچگی و همبستگی ایجاد می‌کند.

۱-۱-۳. سطوح هویت

- هویت فردی (شخصی): هویت فردی شامل آن جنبه‌های تعریف از «خود» است که ما را از اشخاص متمایز می‌سازد. هویت‌های فردی ما از تجربیات منحصر به فرد ما، از ارزش‌ها، گرایش‌ها و احساسات ما نشئت می‌گیرد که اغلب در تجربیات شخصی ما ریشه دارد. هویت‌های فردی افراد به صورت ناب، «خود» تماماً در حیطه تجربیات شخصی افراد قرار می‌گیرد و متکی به خصایص فردی و روان‌شناختی آنهاست (اکبری، ۱۳۸۴: ۳۲۴). با بازنگری تفکر جامعه‌شناختی قرن بیستم در مورد این موضوع، و پذیرش یک دیدگاه بسیار متفاوت، جنکینز این بحث را مطرح می‌کند که هویت فردی که در خویشی تجسم پیدا می‌کند، جدا از جهان اجتماعی یا مردم دیگر، چیز معناداری نیست. افراد، منحصر به فرد و متغیر هستند، اما خویشی کاملاً از طریق اجتماع، اجتماعی شدن اولیه و تعاملات اجتماعی ساخته می‌شود. هویت فردی و اجتماعی در هم تنیده‌اند. آنها از طریق فرایندهای مشابه تولید می‌شوند و هر دو فی‌نفسه اجتماعی هستند (Kennedy & Catherine, 2001: 4).

- هویت جمعی یا اجتماعی: گذشته از سطح فردی، هویت در سطح بالاتر و عام‌تر به مفهوم هویت جمعی نیز قابل رؤیت است و منظور از آن، حوزه‌ای از حیات اجتماعی است

که فرد خود را با ضمیر «ما» متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. این هویت جمعی را می‌توان در سطوحی مرتب از کوچک و خاص به بزرگ و عام چون خویشاوندی، هم‌طایفگی، هم‌محلی، هم‌روستایی، هم‌زبانی، هم‌شهری، هم‌وطن، هم‌مذهب و هم‌نوع تقسیم‌بندی کرد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۱۹۴). فرد باید در موقعیت‌های اجتماعی و هویت‌های فرهنگی (ملیت، قومیت، شغل، طبقه اجتماعی و غیره) ارائه شده توسط جامعه، سرمایه‌گذاری کند. از طریق فرایند هم‌ذات‌پنداری، می‌توانیم احساسات ذهنی خود را با فضاهای عینی که در جهان فرهنگی و اجتماعی، اشغال کرده‌ایم، هماهنگ کنیم (Hall, 1992: 276). بنابراین، هم‌ذات‌پنداری، داده‌های ذهنی را به ساختار گره می‌زند. در این هنگام هویت اجتماعی، روش‌هایی را برای یکی شدن با دیگرانی که موقعیت یکسانی با ما دارند و روش‌هایی را برای متفاوت شدن با دیگرانی که موقعیت ما را ندارند، در اختیار ما قرار خواهد داد (Woodward, 1997: 2).

- هویت ملی: بر اساس طبقه‌بندی سه‌گانه از هویت (هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت ملی)، عالی‌ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری، هویت ملی است و معمولاً از ویژگی منحصربه‌فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد، چراکه در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده دارد. به عبارت دیگر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی (جدای از گرایش‌های ایدئولوژیک) است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷). اریکسون معتقد است که مؤلفه کلیدی در هویت ملی، تعریف و مشخص کردن هویت خود است (McCeron, 1998: 27). نوریو بر این باور است که هویت ملی نمادی از خود اجتماعی فرد است (Norbu, 1992: 79). یکی از عناصر کلیدی در این فرایند، مرزبندی بین خود و دیگران است. در مورد هویت، این وضعیت از طریق شناسایی اختلافات، قابل درک است. هویت ملی همان‌طور که کریب می‌گوید، در اغلب اوقات، از طریق نزدیکی به فضای درونی، خودش را در برابر ترس از عدم قطعیت، حفظ می‌کند. در نتیجه، مرزبندی فرایندهایی که در داخل هویت‌های ملی قرار دارند و روش‌های تعیین‌کننده متعلقین و غیرمتعلقین به ملت، اهمیتی همیشگی دارد. بنابراین، هویت ملی از طریق اختلافات تقسیمات داخلی عمیق، نمونه‌برداری می‌شود و از طریق اعمال شکل‌های مختلف قدرت

فرهنگی، یکپارچه‌سازی می‌گردد تا فراگیر شدن و شمول اشتراکات موجود اتفاق بیفتد. برای این کار، از طریق مذهب، قومیت و فرهنگ؛ شباهت‌ها و اختلافات درون‌گروهی دیگران شکل می‌گیرند (Edensor, 2002: 23-26).

مفهوم هویت ملی در درجه نخست با ایده یگانه بودن ملت و احساس تعلق به یک جامعه تاریخی به خصوص، پیوند می‌خورد. هویت‌های ملی بر اساس مرزبندی‌های جغرافیایی و تشکیل جامعه سیاسی شکل می‌گیرند. نفس وجود احساس هویت ملی به شخص اجازه می‌دهد که مکانی جغرافیایی در جهان پیرامونش برای خود داشته و از لحاظ تاریخی خود را به یک هویت جمعی سرزمینی مربوط کند (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۳۶). هویت ملی، همانند سایر هویت‌ها، به استفاده از منابع تاریخ، زبان و فرهنگ در فرایند «شدگی» به جای «بودگی» اشاره می‌کند: به جای آنکه بینیم «کی هستیم» و یا «از کجا آمدیم»، باید بینیم که «چه چیزی می‌شویم» (Hall, 1996: 4). هکتر معتقد است که هویت ملی، تصور شده و ترکیبی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند پایه‌ای برای انواع مختلف هویت‌های اجتماعی باشد (Hechter, 2004: 96). دیوید میلر بر این باور است که هویت ملی دارای پنج شاخصه است که عبارتند از:

۱. اجتماع ملی مبتنی بر باور است؛ بدین معنا که ملت‌ها زمانی پدید می‌آیند که اعضایشان یکدیگر را به‌عنوان هم‌وطن بپذیرند و باور کنند که در ویژگی‌های مناسبی سهیم هستند.

۲. ویژگی دوم ملیت، هویتی است که تداوم تاریخی را تجسم می‌بخشد.

۳. سومین بُعد متمایزکننده هویت ملی، هویت فعال است، بدین معنا که ملت‌ها، اجتماعاتی هستند که با یکدیگر عمل می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و به نتیجه می‌رسند و غیره.

۴. بُعد چهارم هویت ملی، پیوند یک گروه از مردم به مکان جغرافیایی خاصی است.

۵. هویت ملی مستلزم شراکت افراد سهیم در برخی موارد است. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که اغلب در گذشته به‌عنوان یک «منش ملی» مطرح بود (میلر، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۳).

هویت ملی، اساساً چند بعدی است. هرگز نمی‌توان هویت ملی را به یک عنصر منحصر به فرد و یا دسته‌بندی‌های خاصی از ناسیونالیسم خلاصه کرد و نمی‌توان به هیچ وجه

با سرعت و به سادگی این مفهوم را با ابزارهای مصنوعی در بین جمعیت مردم، القا کرد. چنین تعریفی از هویت ملی، آن را از مفهوم دولت جدا می‌کند. دولت، به طور انحصاری به نهادهای عمومی (مستقل از نهادهای اجتماعی دیگر) و انحصار استخراج منابع و استفاده از نیروی قهریه در یک قلمرو مشخص اشاره می‌کند. اما ملت، پیوند فرهنگی و سیاسی را نشان می‌دهد که باعث یکپارچگی جامعه سیاسی می‌شود که همه افراد چنین جامعه‌ای دارای وطن و فرهنگ تاریخی مشترکی هستند. البته بین این دو مفهوم، مقداری هم‌پوشانی وجود دارد، چراکه هر دوی آنها به یک قلمرو تاریخی و در دولت‌های دموکراتیک، به حق حاکمیت مردم، اشاره دارند (Smith, 1991: 14-15).

۲-۳. سیاست‌گذاری فرهنگی - هویتی

رشته نوظهور سیاست‌گذاری عمومی دغدغه اصلی خود را بر حوزه عینی و ملموس عرصه سیاست قرار می‌دهد و به دنبال بررسی دولت در عرصه عمل و ارتقای کارایی و اثربخشی عملکرد آن در عرصه عمومی است. یکی از این عرصه‌های سیاست‌گذاری، عرصه فرهنگ و هویت است. بحث و بررسی در این حوزه و به خصوص آنجا که باید این مقوله ذهنی و اندیشگانی را عینی کرد و در طی فرایند سیاست‌گذاری به صحنه عمل کشاند، امری بسیار دشوار بوده و از حساس‌ترین و ظریف‌ترین کارها است (بیات و جانباز، ۱۳۹۰: ۶).

تا کنون تعاریف زیادی از سیاست‌گذاری عمومی مطرح شده، اما به نظر می‌رسد که تعریف آندرسون در این زمینه جامع‌تر و مناسب‌تر است: «خط‌مشی، بیانگر مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً ثابت و هدفمند است که به وسیله یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود. بنابراین خط‌مشی بر آنچه دولت در عمل به طور واقعی انجام می‌دهد، متمرکز است، نه آنچه صرفاً پیشنهاد داده یا قصد انجام آن را دارد. با این تعریف، خط‌مشی‌های عمومی به مجموعه‌ای از اقدامات دولت اشاره دارد که به صورت نسبتاً ثابت و هدفمند برای حل یک معضل عمومی انجام می‌شود» (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۶۶).

سیاست فرهنگی عبارت است از: ارزش‌ها و اصول هادی و ناظر بر اقدامات و امور فرهنگی هر هستی اجتماعی. آگوستین ژیرار در کتاب خود با عنوان «توسعه فرهنگی، تجارب و سیاست‌ها» در مورد سیاست فرهنگی می‌نویسد: «سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از

هدف‌های آرمانی، عملی و ابزاری است که گروهی آن را دنبال می‌کنند و قدرتی آن را به کار می‌برد» (مشبکی و خادمی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). سیاست‌گذاری فرهنگی - هویتی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ و هویت معطوف است. چنین اراده‌ای، مطابق تعریف سیاست‌گذاری، می‌تواند ایجابی یا سلبی باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). در واقع، سیاست‌گذاری فرهنگی - هویتی عبارت است از: «تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی؛ همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی» که یونسکو نخستین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح کرد (همایون و جعفری‌هفتخوانی، ۱۳۸۷: ۱۵). نقش هویت‌بخشی فرهنگ به این معنی است که به هر فرد، جایگاه او را نشان دهیم و بگوییم که چه هست. همچنین به این معناست که فرهنگ را به خودآگاه افراد بیاوریم، به افراد حسی از تعلق بیخشیم و تعلقات دیگر را طرد و نفی کنیم. اما همین هویت‌سازی وقتی جنبه ایدئولوژیک می‌یابد (و در سیاست‌گذاری دولتی متبلور می‌شود)، باید احساسی از کلیت و یکپارچگی را ایجاد کند و از همه تعارضات و کاستی‌ها عبور کند. به دیگر سخن، این امنیت خاطر را در فرد ایجاد کند که پافشاری آن به یک هویت، او را از سایر خواسته‌های مادی و معنوی دور نمی‌کند. از این رو می‌بینیم که وسوسه‌ای در متن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به وجود می‌آید که همه چیزهای خوب را با هم جمع کند و سرمشق‌های مختلف هم‌زمان در سیاست‌ها حاضر می‌شوند (آزادارمکی و منصور، ۱۳۹۱: ۳۳).

مهم‌ترین عوامل اثرگذار در سیاست‌گذاری عبارتند از: حکومت، گروه‌های سیاسی، مجموعه‌های غیرسیاسی، نخبگان و توده مردم. یکی از عوامل اصلی سیاست‌گذار در هر نظامی، نهادهای حکومتی هستند که رسماً متولی این کار هستند. تأثیر این نهادها به حدی است که برخی موضوع سیاست‌گذاری عمومی را دولت دانسته‌اند. این نهادها در سطوح مختلف به کار سیاست‌گذاری و تدوین خط‌مشی عمومی می‌پردازند. مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی مثال‌هایی برای این نهادها هستند. نهادهای قانونی سیاست‌گذار، سیاست‌ها را قانونی کرده، مشروعیت می‌بخشند، آن را در جامعه عمومیت می‌دهند و برای اجرای آنها فشار وارد می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۵). دولت‌ها همواره در ساخت هویت و ملت‌سازی نقش اساسی داشته‌اند و با توجه به شرایط جامعه و عناصر و

مؤلفه‌های هویتی خود، دست به اتخاذ سیاست‌های هویتی مناسب می‌زدند. برای مثال اقدامات رژیم پهلوی در پیشبرد سیاست دولت - ملت‌سازی، در شاخص اشباع سرزمینی به ارزش‌های ملی ایران باستان، حل مقطعی اختلافات مرزی، بیگانگی و تضاد قومیت‌ها با دولت مرکزی، رفع تهدیدات خارجی، و در شاخص همبستگی ملی به دولت ملی مدرن، احیاگر اقتدار ایران باستان و همکار و متحد بلوک غرب، عدم توجه به حقوق شهروندی، ملی‌گرایی، و در شاخص ثبات سیاسی به دولت رانتیر و رشد اقتصادی به واسطه درآمدهای نفتی، نهادهای مردم‌سالارانه متعدد اما ناکارآمد و افزایش بودجه‌های نظامی به بهای کاهش بودجه بخش‌های عمرانی انجامید (ملایی و ازغندی، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۹).

واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که هویت‌سازی ملی فرایندی همیشگی و ناتمام است و نباید تصور شود که وقتی ملتی شکل گرفت به خودی خود تداوم می‌یابد و به هیچ تلاش و سازوکار پشتیبانی‌کننده نیاز ندارد؛ بلکه برعکس ملت و روح ملت‌بودگی در معرض فراز و فرود و چالش‌های جدی قرار دارد و حتی گاهی دولت-ملت‌های جاافتاده نیز با معضلاتی همانند ناسیونالیسم گروه مسلط، خرده‌ناسیونالیسم‌های قومی و فرهنگی در قالب جدایی‌طلبی، روبه‌رو می‌شوند. به علاوه این نکته نیز مهم است که تنها توسل به راه‌حل‌های سیاسی و دموکراسی انتخاباتی برای حل و فصل تنوع فرهنگی و ایجاد جامعه‌ای با ثبات کافی نیست، بلکه لازم است ملت‌بودگی با کاربست سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی - هویتی کم‌هزینه و کم‌مخاطره‌تر، همیشه مراقبت و بازتولید شود (کریمی و قاسمی‌طوسی، ۱۳۹۳: ۲۶). از جمله راه‌های ثمربخش و عنصر مرکزی برای پرورش احساس تعلق ملی و تحکیم و پایدارسازی هویت ملی، سیاست‌گذاری اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی - هویتی است که علاوه بر ایجاد رابطه مستقیم بین دولت و جامعه، گفتمانی درباره هویت‌های جمعی می‌آفریند که همگی واجد آثار ملت‌سازانه بسیار پُررنگ هستند. به نظر بلاند، دو مفهوم کلیدی که ملت‌سازی را با سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌دهد، عبارتند از: همبستگی و هویت. بنابراین سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی به آفرینش روح ملت‌بودگی و شکل‌گیری حس همسانی و تعلق ملی می‌انجامد. بنابراین در این قالب، سیاست‌گذاری اجتماعی - فرهنگی هم‌اثری است که از رهگذر آن ایده‌آل‌ها و آرمان‌های مشترک بیان می‌شود و هم وسیله‌ای است که طی آن جامعه به‌طور آگاهانه هویتش را بازتولید می‌کند (کریمی و قاسمی‌طوسی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۰).

سیاست گذاری دولت‌ها در قلمرو فرهنگ قابل تشخیص در دو عرصه کلی و بخشی است. در عرصه کلی به معنی داشتن نگرشی کلی در زمینه مبانی و اصول و اهداف و در عرصه بخشی داشتن خط‌مشی و برنامه در زمینه‌هایی نظیر میراث فرهنگی، سینما، موسیقی، کتاب، هنرهای تجسمی و... است (بیات و جانباز، ۱۳۹۰: ۲۰). در ادامه برای بیان نمونه به سیاست گذاری فرهنگی - هویتی در سه کشور جمهوری اسلامی ایران، جمهوری فرانسه و ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود که به زعم نویسندگان، عرضه کننده سه مدل در عرصه سیاست گذاری فرهنگی هستند. نظام سیاست گذاری فرهنگی ایالات متحده آمریکا، به تعبیر مولکاهی نظامی حداقلی و لیبرتاریان است. چنین تحلیلی ما را به این نتیجه می‌رساند که این کشور در زمینه‌های کلی و بخشی سیاست گذاری فرهنگی، طریق عدم مداخله را برگزیده است. بنابراین ایالات متحده آمریکا سیاست لسه‌فر را در این زمینه برگزیده است، اما دولت فرانسه در عرصه‌های کلی و بخشی فرهنگ، حضوری محکم دارد. دولت‌مردان فرانسه، البته خود را عامل حفظ و ترویج و توسعه فرهنگی می‌دانند که در متن جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، جمهوری فرانسه دارای نگرش‌ها و سیاست‌های مشخص در ابعاد کلی و بخشی در عرصه سیاست‌های فرهنگی است. اما دولت جمهوری اسلامی ایران، خود را عامل پاسداشت و توسعه فرهنگ برتر می‌داند و برای خود نقشی تربیتی در عرصه فرهنگ قائل است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران علاوه‌بر دارا بودن نگرش و سیاست در این عرصه، خود را مسئول حفظ و اشاعه فرهنگی خاص قلمداد می‌کند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران را می‌توان دولت حداکثری در عرصه سیاست‌های فرهنگی قلمداد کرد (وحید، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۲۹۹). در جمهوری اسلامی ایران، دولت نه تنها متولی فرهنگ، که مسئول رشد و کمال انسانی در تمام ابعاد حیات بشری است. مداخله همه‌جانبه دولت در فرهنگ به قصد تعیین محتوای آن و ایجاد هم‌گرایی و تعیین مسیر برای افراد و نهادها و جهت دادن به ابتکارات و نوآوری‌ها و هویت بخشیدن به افراد جامعه است (آزاد ارمکی و منصوری، ۱۳۹۱: ۳۳).

سیاست‌ها و سیاست گذاری‌های فرهنگی - هویتی در جوامعی مانند ایران که به دنبال ایده و آرمان والا و حفظ فرهنگ ارزشی و مورد تأیید نظام هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و شالوده سیاست فرهنگی نوین کشور در قانون اساسی پی‌ریزی شد و سپس شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی

انقلاب فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی - هویتی کشور را تدوین کردند (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۵۸). در حال حاضر، برای کشورهای در حال توسعه نظیر ایران (که در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آسیب‌پذیر هستند) مرحله اول تأکید باید بر روی اشتراکات عقلی و عاطفی با مراجعه به فصول مشترک ابعاد انسانی، مذهبی و ملی در سطح جامعه باشد، به طوری که هویت جامعه‌ای اکثر آحاد در رأس سایر هویت‌های جمعی آنها قرار گیرد و اکثریت افراد، داوطلبانه در سایه چتر مفاهمه فرهنگی بایستند (صالحی‌امیری و عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۹). برای شفافیت بیشتر بحث، نمونه‌ای از سیاست‌هایی را که برای هویت ملی کاربرد دارند، مطرح می‌کنیم:

الف) تقویت مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی: از قبیل باورهای دینی، اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی، آداب، رسوم و سنن دینی ملی، نمادها (فلکلور و زبان فارسی، پرچم، سرود ملی، موسیقی سنتی، نمادهای زیبایی‌شناختی و معماری و طراحی ایرانی - اسلامی)، خاطرات و حافظه جمعی و نقاط عطف تاریخی ایران (مقاومت در برابر تهاجمات خارجی، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)، مشاهیر ادبی، هنری، سیاسی، علمی و دینی، به رسمیت شناختن حقوق خرده‌فرهنگ‌ها در چارچوب هویت ملی و تقویت ارزش‌های مشترک بین خرده‌فرهنگ‌ها.

ب) کنترل عوامل تضعیف‌کننده هویت ملی: از قبیل جلوگیری از بروز بحران‌ها و تنش‌های قومی، پرهیز از قوم‌گرایی و تبارگماری در عرصه حاکمیت سیاسی، شناسایی و تقلیل تأثیرات منفی هویت‌های فراملی (اشتریان، ۱۳۹۱: ۹۷).

در مجموع باید گفت که پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز درصدد برآمد بر اساس شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدید پیش آمده، به اتخاذ سیاست‌هایی در زمینه ملت‌سازی و ساخت هویت بردارد، بنابراین به تدوین سیاست‌های کلی و مهمی چون قانون اساسی، برنامه‌های توسعه که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و سند چشم‌انداز بیست ساله (۱۴۰۴) پرداخت که با عنوان اسناد فرادستی نظام معروف شدند. اسناد فرادستی نظام بیان‌کننده اصول، اهداف، آرمان‌ها و سیاست‌های کلان نظام در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی، علمی و... است و به نوعی آنها را مشخص کرده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها در اسناد فرادستی نظام، تصویب و اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی کشور و به خصوص پرداختن به مسائل هویت

ملی ایرانی است. بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی این سیاست‌ها و اهداف تعیین شده در اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، توسط دولت‌های مختلف دارای گفتمان‌های متمایز و در زمینه‌های گوناگون تصویب، اجرا و به کار گرفته شد.

۴. گفتمان‌های فرهنگی و هویتی حاکم بر برنامه‌های توسعه پنج‌گانه جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. گفتمان آرمان‌گرایی / انقلابی (دوران جنگ)

پس از شهید رجایی، آیت‌الله خامنه‌ای به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد و مهندس میرحسین موسوی (نخست‌وزیر) در مصدر امور اجرایی کشور قرار گرفت که تا سال ۱۳۶۸ تداوم یافت. در این دوران تأکید بر اصول اسلامی - انقلابی به اوج خود رسید و امام خمینی (ره) در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۶۰ این دوره را به‌عنوان آغاز دوران استقرار حکومت اسلامی نامیدند. تأکید بر عقلانیت در کنار نگاه‌های آرمان‌گرایانه از ویژگی‌های بارز این دوره است. اما جنگ هشت ساله به‌عنوان بحران مسلط این دوره، ناخودآگاه یک نظم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خاصی را ایجاد کرد و عرفان عمومی و بی‌توجهی به جلوه‌های دنیا و نیز رشادت و غیوری، محور اصلی حرکت فرهنگی جامعه شد. در واقع بهره‌مندی همگانی از حداقل‌های معیشتی و تلاش برای پنهان‌نگه داشتن فاصله طبقاتی و حفظ یکپارچگی نظام اسلامی اولویت‌های اساسی بود (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). گفتمان آرمان‌گرایی مهم‌ترین عنصر هویت‌بخش جمهوری اسلامی و همچنین هویت ایرانی را اسلام و انقلاب می‌پندارد، به‌طوری که هویت ملی را بر حسب هویت دینی و انقلابی تعریف می‌کند. وزن و نقش ایرانیت و ملیت ایرانی در شکل‌گیری و تکوین هویت ایرانی به حداقل کاهش می‌یابد، چراکه نوعی تعارض و تباین میان اسلامیت و ایرانیت یا میان اسلام و ملیت متصور می‌شود. پس آنچه آرمان‌گرایی اسلامی - انقلابی را از سایر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی متمایز می‌سازد، کم‌اثر پنداشتن عناصر و مؤلفه‌های ایرانی هویت‌ساز و قوام‌بخش به هویت ایرانی است.

در این قرائت و روایی از هویت ملی، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی و نظام فکری مبتنی بر اصالت ملت، مردود است. حتی اگر این اندیشه به معنای اصالت و برتری ملت و ملیت ایرانی در برابر اسلام، مذهب و انقلاب اسلامی نباشد، چراکه

ملت‌گرایی یا ملی‌گرایی متضمن به رسمیت شناختن و اولویت بخشیدن موجودیت و هویت متمایز ملت ایران است که با اندیشه جهان‌وطنی آرمان‌گرایی تعارض و منافات دارد. پس نهادهای ملی باید به گونه‌ای تعریف و تأسیس شوند که بیانگر هویت اسلامی و انقلابی باشند. حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز باید بر مبنای انترناسیونالیسم اسلامی تدوین گردد و از ابعاد جهانی، اسلامی و فراملی برخوردار باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۰). به عبارت دیگر، از نگاه آرمان‌گرایان اسلامی، «اسلامیت» عنصر اساسی هویت در جمهوری اسلامی است و ایران جزئی از امت بزرگ اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان واحدی از اتحاد جماهیر اسلامی ایجاب می‌کند که منابع و منافع خود را بر حسب مصالح اسلامی تدوین کرده و در جهت تحقق آن در سیاست بکوشد (فرزانه‌پور و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۲۸).

۲-۴. گفتمان مصلحت‌گرایی / واقع‌گرایی عمل‌گرا (دوران سازندگی)

گفتمان کلان توسعه‌ای - مدرن، دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ را در اختیار دارد و هم‌بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ را دربرمی‌گیرد. البته در هریک از این دو دوره، دو جزء متفاوت از توسعه مورد تأکید است: توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی. در دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (دوران سازندگی)، دولت با اکراه و اجبار واقعیت‌های نظام بین‌الملل و شرایط داخلی و بحرانی را پذیرفت و برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح‌طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خود قرار داد. عنصر محوری این گفتمان را عمل‌گرایی در تنظیم و اجرای سیاست‌ها با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۵). در چارچوب گفتمان مصلحت‌گرایی نیز هویت ملی ایران بر حسب دو عنصر و منبع اسلامیت و انقلاب اسلامی تعریف می‌شود. مهم‌ترین مرجع وفاداری مردم و ملت ایران، اسلام شیعی و انقلاب اسلامی است. با وجود این، ملیت ایرانی در مقایسه با آرمان‌گرایی، نقش مهمی در تکوین و تقویت هویت ملی ایران و ایرانیان دارد. ملیت ایرانی نقشی قوام‌بخش در هویت ملی ایفا می‌کند و همراه با اسلامیت به آن شکل اسلامی - ایرانی می‌دهد. اگرچه هویت ملی ایران و جمهوری اسلامی ترکیبی از اسلام، انقلاب اسلامی و ملیت ایرانی است، عنصر کانونی و مرکز ثقل آن اسلام و انقلاب اسلامی است، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی و ملت ایران به واسطه اینکه ام‌القرای اسلام

و مرکز جهان اسلام به شمار می‌روند، هویت می‌یابند، و گرنه ایران و ایرانی بودن مستقل از این دو عنصر هویت‌ساز به خودی خود معنا و مفهومی ندارد. بنابراین، قوام‌بخشی ملیت ایرانی به هویت ملی در ذیل اسلامیت و انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد. پذیرش بالضروره دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرکز جهان اسلام و لزوم حفظ مصلحت و موجودیت آن دومین عاملی است که نقش و وزن ملیت ایرانی را در هویت ملی افزایش می‌دهد. سوم، قائل شدن محوریت و مرکزیت برای جمهوری اسلامی در جهان اسلام مستلزم تعریف هویت متمایز از ایران و ملت ایران بر پایه ملیت ایرانی است. از این رو ملی‌گرایی اگر در مقابل اسلام و انقلاب قرار نگیرد و در طول آن باشد مردود و مطرود نیست. ناسیونالیسم زمانی نفی می‌گردد که به‌عنوان یک ایدئولوژی در تقابل یا در عرض اسلام‌گرایی قرار گیرد و به رقابت و مخالفت با آن پردازد. مهم‌ترین نقش ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر گفتمان مصلحت‌گرایی «مرکز جهان اسلام» است که به رفتارها و منافع آنها شکل می‌دهد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۶).

در گفتمان مصلحت‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم اینکه همچنان خود را به دنیای خارج به‌عنوان یک دولت مستقل و غیرمتعهد معرفی می‌کند، تفسیر بسیار متفاوت و ملایمی را از شعار «نه شرقی نه غربی» ارائه می‌دهد. تفسیری که مطابق با آن استقلال و عدم وابستگی لزوماً به معنای گسستن روابط با دنیای خارج نیست. بنابراین در این دوران بر اساس تفسیری که از اصل «مصلحت نظام اسلامی» در جهت حفظ ام‌القرا و همچنین «قاعده نفی سبیل» صورت می‌گیرد، دولت جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه خود را به‌عنوان یک کشور مستقل به جهان خارج معرفی می‌کند، می‌تواند در جهت بازسازی کشور و تبدیل شدن به یک الگوی کامل دولت اسلامی، به تعامل با محیط نیز پردازد (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۷).

۳-۴. گفتمان فرهنگ‌گرایی / سیاست‌محور (دوران اصلاحات)

با انتخاب حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور در خردادماه ۱۳۷۶، خرده‌گفتمان دیگری در بطن و متن گفتمان کلان اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی شکل گرفت. این گفتمان را می‌توان صلح‌گرایی مردم‌سالار نام نهاد که تداوم و ادامه واقع‌گرایی در گفتمان قبلی است، چراکه بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و عمل‌گرایی استوار است. از

سوی دیگر، بر سیاست و فرهنگ بیش از اقتصاد تأکید می‌ورزد و توسعه سیاسی - فرهنگی را حیاتی‌تر از توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌پندارد. صلح‌گرایی در چارچوب جهان‌بینی دینی عقلانی اسلام، تفسیری مردم‌سالارانه و آزادمنشانه از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد که در آن جمهوریت و اسلامیت هم‌وزن یکدیگرند. حاکمیت الهی نه تنها هیچ تعارض و تخالفی با حاکمیت ملی ندارد، بلکه از طریق آن اعمال می‌گردد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲۵-۲۲۴). یکی از مفاهیم مورد توجه در گفتمان آقای خاتمی، نوع نگاه به فرهنگ و هویت ملی و جایگاه اسلام، ملیت، اقوام و میراث تاریخی و فرهنگی ایران در آن است. در همین راستا می‌توان گفت که دوره اصلاحات حامل ارزش‌ها و نگرش‌ها و حاصل تحولات فکری و اجتماعی ژرفی بود و گفتمان تازه و رویکردی نو در تبیین مبانی هویت ملی ایرانی، وفاق ملی و همبستگی اقوام ایرانی بر اساس اصل شهروندی و جامعه مدنی پدید آورد. گفتمان اصلاحات با رجعت به ماهیت و شاکله قانون اساسی جمهوری اسلامی که مبتنی بر ایده و اصل پذیرش حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی همگان، منهای تعلقات قومی، زبانی و مذهبی بود، توانست تضادهای سیاسی، اجتماعی و قومی که در صورت فعال و متراکم شدن می‌توانست به رویارویی با نظام سیاسی و اضمحلال هویت ملی بینجامد، کنترل و مهار کند، چراکه مطابق قانون اساسی، همه افراد جامعه دارای حقوق و موقعیت برابر هستند و حق و تکلیفی یکسان در قبال یکدیگر و نظام سیاسی دارند. هیچ فردی در جامعه شهروند درجه دو و سه محسوب نمی‌شود و تبعیضی میان اعضای گروه‌های قومی و پیروان مذاهب به چشم نمی‌خورد. دیگر آنکه فرصت‌ها به صورت برابر از سوی حاکمیت در اختیار همه شهروندان قرار می‌گیرد و دولت نه طرفدار یکی از گروه‌های قومی و مذهبی؛ بلکه داور تعاملات اجتماعی و فرهنگی آنهاست. سوم اینکه در این دوره حکومت توانست با بهره‌گیری مناسب از منابع مشروعیت‌ساز از جمله عقلانیت دموکراتیک، خرد جمعی و سنت کاریزما، مشروعیت نظام را در بین اقوام و گروه‌ها تقویت و با گسترش حوزه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی و تأسیس نهادهای مدنی، بر دو بحران مشروعیت و بحران نفوذ غلبه نماید (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۴۳۱).

یکی دیگر از دستاوردهای نظام در این دوره، تغییر رویه حاصل از تغییر نگرش در مبانی هویت ملی و ایرانی است. دو عنصر اسلامیت و ملیت از ویژگی‌هایی هستند که در

هویت ایرانی با هم آمیخته‌اند، به نحوی که شناسایی و تمیز آنها از یکدیگر ممکن نیست و روح ایرانی با هر دو نماد ملی و دینی اُلفتی دیرین پیدا کرده است. از این رو، جدا کردن هر کدام از آنها از فرهنگ این سرزمین با جریحه‌دار کردن روح کلی ایرانیان همسو است. برآیند اصلاحات در ایران موجب شد در کنار عناصر اسلامی، عناصر ملی و ملی‌گرایی اجازه ظهور و بروز یابد و میانشان پیوند برقرار گردد. بدین ترتیب، اجماع نسبی در همنشینی ارزش‌های دینی و ملی در بین اندیشمندان ملی و مبارزین انقلابی پیدا شد. در بین نخبگان سیاسی، گرایش جدیدی پیدا شد که حاکی از توجه آنها به آیین‌های ایرانی است. آنها در عین حال، ضرورت سیاسی توجه به این ارزش‌ها را نیز درک کرده و برخلاف دیدگاهی که ملی‌گرایی را عامل گسیختگی ملی می‌دید، آن را به‌عنوان یکی از عوامل همبستگی ملی قلمداد می‌کنند. مقامات جمهوری اسلامی ایران در این دوران، علاوه بر درک ضروریات سیاسی ملی‌گرایی، به این آگاهی دست یافتند که بین اسلام‌گرایی در داخل جامعه و ملی‌گرایی منافاتی وجود ندارد و بسیاری از آیین‌ها و رسوم که ملی‌گرایان آنها را ارج می‌نهند در تضاد با ارزش‌های اسلامی قرار ندارد. در درون گفتمان روشنفکری هم گرایشی به وجود آمد که بر همنشینی ارزش‌های دینی و ملی در فرهنگ و هویت تأکید می‌کند. بر اساس این گفتمان، تلاش برای برجسته کردن یک بُعد و به حاشیه راندن بُعد دیگر با شکست مواجه خواهد شد، چراکه در اندیشه روشنفکری در کشور، «ایرانیان» دو فرهنگی به شمار می‌آیند؛ از یک سو وابسته به پیشینه سرزمین خود هستند و از سوی دیگر در کنار تعالیم اسلام قرار می‌گیرند. ایرانی مسلمان در واقع نه می‌تواند از هویت ایرانی خود جدا بماند و نه می‌تواند از اعتقادات مذهبی‌اش دست بکشد (همان: ۴۳۲-۴۳۱). سیدمحمد خاتمی در رابطه با فرهنگ و تمدن ایرانی می‌گوید: «فرهنگ و تمدن، مایه‌ها و پایه‌های هویت ما را ساخته‌اند و سرچشمه حیات اجتماعی ما میراث فرهنگی و مدنی ما است و باید با آن آشنا شویم» (حقدار، ۱۳۷۸: ۴۶).

۴-۴. گفتمان ایدئولوژیک / ارزش‌محور (دوران عدالت‌گرایی)

پنجمین گفتمان حاکم بر ایران که با نام‌هایی چون «عدالت‌گرایی اصول‌محور» و یا «ایدئولوژیک - ارزش‌محور» شناخته می‌شود، از سال ۱۳۸۴ با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد آغاز شد و در خرداد ۱۳۹۲ به پایان رسید. در این گفتمان که به گفته بسیاری

از نظریه پردازان و تحلیلگران بازگشتی است به گفتمان آرمان‌گرای اولیه انقلاب اسلامی، نخبگان و تصمیم‌گیران دولت جمهوری اسلامی ایران با تفسیری انقلابی از منابع و قواعد شکل‌دهنده به هویت انقلابی - اسلامی کشورشان، نقش‌های هویتی مبتنی بر این قواعد را برجسته نموده‌اند. در این گفتمان، دولت جمهوری اسلامی ایران بر برخی از مشخصه‌های هویتی خود از جمله: عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی تأکید بسیاری کرده و در همین راستا بُعد عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه هویت انقلابی - اسلامی خود را بسیار برجسته کرده است (رسولی‌ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). از دیدگاه احمدی‌نژاد، دولت - ملت در جمهوری اسلامی ایران ماهیت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد. بر اساس ماهیت اسلامی دولت در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گراست که دولت ملی سرزمینی، در ایران اصالت نداشته و مقدمه‌ای برای استقرار حکومت جهانی اسلام و دفاع از مظلومان و مستضعفان است. در خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد، اسلام و اسلامیت نخستین عنصر هویت ملی است که از اولویت بیشتری نسبت به ایرانیت برخوردار است. بنابراین آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های انقلاب نیز از مقدمات بنیادی و از عناصر اساسی تعیین‌کننده هویت ملی ایران است. در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، انقلاب اسلامی انقلابی ملی و محدود نیست، بلکه جنبه فراملی و فرامرزی دارد که اهداف ملی آن حاکمیت اسلام، آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، استقلال و نفی استبداد است و اهداف فراملی آن استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، وحدت جهان اسلام، حکومت جهانی اسلام، صدور انقلاب اسلامی، دفاع از مسلمانان و مستضعفان، صلح و عدالت جهانی است (فرزانه‌پور و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴). براساس این گفتمان، جمهوری اسلامی یک دولت دینی با هویت اسلامی است که در قلمرو سرزمینی ایران تشکیل شده است که مهم‌ترین عنصر قوام‌بخشی این نظام سیاسی که مشروعیت خود را از اسلام کسب می‌کند، اسلامی بودن آن است. پس مسئولیت این دولت اسلامی حفظ اسلام و تعهد و عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است. در گفتمان اصول‌گرایی، مرزهای ایدئولوژیک و عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می‌شود و مکتب‌گرایی جای ملت‌گرایی را می‌گیرد. عنصر هویت‌سازی که «خود» و «دیگر» را تعریف می‌کند، دین مبین اسلام است. بنابراین، منبع اولیه هویت ایرانی «اسلامیت» است. مهم‌ترین لایه هویت ملی ایران و مهم‌ترین مرجع وفاداری مردم ایران، اسلام شیعی است. البته این به معنای نفی

عنصر ایرانی‌ت در هویت ملی ایران نیست، بلکه حاکی از غلبه مؤلفه اسلامی بر ایرانی‌ت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۴). بنابراین در گفتمان عدالت‌گرای ارزش‌محور، دولت ملی در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی - شیعی تعریف می‌شود و دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد، بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. هویت جمهوری اسلامی ایران حاصل برآیند عنصر «هویت اسلام»، «انقلاب اسلامی» و «ایران» است و این عناصر اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به «ایرانی‌ت» در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

۵. یافته‌های پژوهش؛ لایه‌های هویت ملی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

۱-۱-۵. لایه هویت اسلامی

یکی از اصول اسلامی که همواره مورد توجه بوده و حتی قبل از ورود اسلام به ایران نیز از اهمیت بالایی در میان ایرانیان برخوردار بوده، مفهوم عدالت است که در سند برنامه اول توسعه هم مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، در این سند بر تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی، از طریق تدوین نظام استخدامی واحد و نظام پرداخت برای کلیه دستگاه‌های دولتی در سطح کشور، جهت برقراری عدالت استخدامی و غیره، رعایت کامل موازین عدل اسلامی در خدمت مشمولین وظیفه در دستگاه‌های اجرایی، تأمین نیازمندی‌ها و گسترش حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی از خانواده‌های شهدا، مفقودین، اُسرا و جانبازان و آزادگان با تأکید بر بهبود سطح زندگی، تأمین اشتغال مناسب و کمک به امور فرزندان شاهد، توجه خاص به تحصیل جانبازان، رزمندگان و فرزندان خانواده‌های شهدا، مفقودین، اُسرا، جانبازان و رزمندگان، توجه خاص به آموزش کودکان استثنایی، اتخاذ تدابیر و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مناسب در جهت تزکیه و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و تقلیل شکاف درآمدی موجود بین اقشار مختلف جامعه، تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم، و توزیع عادلانه مصرف در جامعه تأکید شده است. در این برنامه، می‌توان به اصول دیگری چون حمایت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، ترویج و نشر آثار و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حمایت از ایجاد تعاونی‌ها و تعیین چارچوب‌های

حقوقی لازم، تشکیل شرکت‌های تعاونی تولیدی مورد حمایت دولت که بر اصل اسلامی تعاون و همکاری تأکید دارد و مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن اشاره کرد که همگی بخشی از هویت اسلامی ایرانیان را تشکیل می‌دهند.

همچنین یکی دیگر از مسائل منبعث از آموزه‌های اسلامی مطرح شده در برنامه اول توسعه، ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی مصرف با حفظ کرامت و آزادگی انسان و پرهیز از ترویج روحیه رفاه‌طلبی در جامعه است که یکی از مؤلفه‌های لایه هویت اسلامی ایرانیان به شمار می‌آید. به عنوان مثال، در برنامه اول آمده است: تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تعیین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادگی انسان (طیبی توکل، ۱۳۹۰: ۷)، رعایت فرهنگ صحیح مصرفی مناطق و ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی مصرف (همان: ۱۱-۷) و پرهیز از ترویج روحیه رفاه‌طلبی در جهت ایجاد آمادگی و کسب توانایی‌های لازم در کشور به منظور مقابله با شرایط مختلف ناشی از تحریم اقتصادی، جنگ و سایر دسیسه‌ها (همان: ۱۳-۷).

۲-۱-۵. لایه هویت ایرانی

کلمه هویت در کل متن سند برنامه اول توسعه، «یک بار» آمده است که در ارتباط با ارائه خدمات بهینه هویت و تابعیت و شناخت به هنگام هویت کلیه اتباع ایران در داخل و خارج است، بنابراین بحث تابعیت ایرانی یکی از مفاهیمی است که در ارتباط با مقوله هویت ایرانی قرار می‌گیرد. یکی از موضوعات مورد توجه در برنامه اول توسعه، پشتیبانی از تولید ملی و حمایت از تولیدات داخلی و توسعه و تشویق صادرات است. به صورتی که تولید ملی باعث ایجاد حس غرور و افتخار بین مردم جامعه می‌شود و همچنین صادرات محصولات داخلی و تولیدات ملی به خارج از کشور باعث انتقال فرهنگ و هویت ایرانی و شناخت جهانیان از ایران خواهد شد و به نوعی بر شکل‌گیری هویت ایرانی تأثیرگذار است. جمهوری اسلامی ایران همواره بر به دست آوردن و حفظ استقلال و غیره تأکید فراوان داشته، به نحوی که کسب استقلال و کاهش وابستگی در مقابل دیگر کشورها به یکی از مهم‌ترین هنجارهای هویتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. پس از وقوع انقلاب، نظام جمهوری اسلامی در مسیر حرکت خود با مشکلات فراوانی مانند تحریم‌ها

مواجهه بوده است که به دنبال خدشه‌دار کردن استقلال آن بودند. در همین راستا در برنامه اول توسعه بر ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات نیز تأکید شده است، به طوری که همواره تلاش خواهد شد با تقویت بنیه تولید داخلی و ملی، وابستگی تولید به مواد و کالاهای واسطه‌ای خارجی کاهش یابد. به عبارتی می‌توان خودکفایی را بخشی از هنجار هویت ایرانی؛ یعنی کسب استقلال و کاهش وابستگی دانست. از مسائل دیگری که پس از وقوع انقلاب و به‌ویژه با شروع جنگ عراق علیه ایران مطرح شد، طرح تشکیل بسیج مستضعفین به دستور امام خمینی (ره) برای دفاع از انقلاب اسلامی و دفاع از مرزهای کشور اسلامی ایران بود.

یکی از مهم‌ترین عناصر هویت ایرانی، زبان و ادبیات فارسی است که همواره بر ایجاد انسجام و همبستگی ملی تأثیرگذار بوده است. زبان، نیروی پیونددهنده میان افراد یک قوم و یک ملت است که همراه با احساس تعلق به گذشته مشترک و مشارکت در سرنوشت آینده است. همچنین زبان به‌عنوان نیروی انسجام‌دهنده، نقشی ویژه در بسترسازی فرهنگی و تحقق هویت ملی دارد (هرمیداس باوند، ۱۳۸۴: ۴۳). در برنامه اول توسعه نیز بر تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌منظور اعتلای ادب و فرهنگ فارسی تأکید فراوان شده است. بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری، مصنوعات و نظایر آن به‌عنوان میراث فرهنگی، یکی از مؤثرترین عوامل هویت‌بخش جامعه هستند که حفظ آنها موجب پایداری و بقای فرهنگ و هویت آن جامعه است. زنده نگه داشتن و توجه به میراث فرهنگی، مستلزم شناخت و شناساندن این میراث گرانقدر به اعضای جامعه، به‌خصوص نسل جوان و نوجوان کشور است. مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جای مانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه، ضامن بقای فرهنگ و هویت ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. همچنین با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل مؤثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۰: ۶۰). در برنامه اول آمده است: تقویت و توسعه ایران‌گردی و جهان‌گردی در جهت تبادل تجربه و دانش و شناساندن میراث تمدن و فرهنگ اسلامی و ایران و کمک به ارتقای سطح تفاهم و وحدت ملی و اسلامی (طیبه توکل، ۱۳۹۰: ۱۵-۳) و بهبود و گسترش پژوهش، حفاظت،

احیاء و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارزش‌های فرهنگی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (همان: ۱۶-۳).

از مؤلفه‌های هویت ایرانی، بُعد سرزمینی و جغرافیایی ایران است که به علت موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی که دارد و به عبارتی دیگر به خاطر اینکه متصل‌کننده سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به یکدیگر است، همواره مورد توجه اقوام و کشورهای مختلف و همچنین محل تلاقی و برخورد فرهنگ‌ها و اقوام مختلف بوده است و بنابراین در طول تاریخ دستخوش حوادث و تغییراتی شده، اما هیچ وقت از هویت ایرانیان جدا نشده است. در برنامه اول توسعه نیز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی کشور تأکید شده است. از جمله ارزش‌های ملی که در برنامه اول توسعه بر آنها تأکید شده است، می‌توان به شاخص‌هایی چون پرورش روحیه احترام به قانون، نظم‌پذیری، تعاون و کار گروهی، احترام به قداست و ارزش کار و فعالیت مولد، صرفه‌جویی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی و تقویت پول ملی اشاره کرد که می‌توان آنها را در زمره مؤلفه‌های هویت ایرانی قرار داد.

۳-۱-۵. لایه هویت متجددانه و جهانی

با ورود تجدد به ایران، لوازم و نهادهای مرتبط به آن به آهستگی در ایران به وجود آمد و گسترش پیدا کرد. فرهنگ و هویت متجددانه از اواسط دوره قاجار در ایران نفوذ کرد، با انقلاب مشروطه به‌طور رسمی وارد ارکان حکومت ایران شد و پس از آن با اُفت و خیزهایی، تقریباً سیر صعودی داشته است. با انقلاب اسلامی نیز قطع ارتباط فرهنگی با مدرنیته صورت نگرفته است (قبادی، ۱۳۸۳: ۳۵۵). برخی از مهم‌ترین مظاهر متجددانه موجود در برنامه اول توسعه عبارتند از: سیستم بانکی، سازمان برنامه و بودجه، دولت و هیئت وزیران، مدارس و مراکز تربیت معلم، مراکز آموزش عالی، قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی، نظام آموزش و پرورش، ضرورت تداوم امر برنامه‌ریزی، استفاده از شبکه ماهواره‌ای و صداوسیما که همگی از مظاهر تجدد به شمار می‌روند و تدوین‌کنندگان برنامه توسعه نیز این واقعیت را پذیرفته‌اند. یکی از بارزترین ویژگی‌های عصر جدید یا مدرنیته، توجه ویژه به علوم و فنون مختلف و آموزش آنها در جامعه، تحقیق و پژوهش و

تتبع و نوآوری است. در سند برنامه اول توسعه نیز بر عواملی چون گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان، سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی بر مبنای آزادی عمل واحدهای اجرایی جهت تحقیق، تتبع، نوآوری و ارائه خدمات فرهنگی، حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی، فنی، تخصصی و تحقیقاتی کشور، توجه ویژه به توسعه، آموزش علمی و عملی امور کشاورزی، گسترش تحقیقات و افزایش توان تکنولوژیک و غیره، تدوین نظام تحقیقات علمی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور گسترش و توسعه برنامه‌های علمی و تحقیقاتی و در جهت هماهنگی برنامه‌ها و سازمان‌های مسئول تحقیقات در کشور، ایجاد نظام آمار و انفورماتیک جهت فراهم آوردن اطلاعات آموزشی، پژوهشی، اقتصادی، اجتماعی به‌هنگام و قابل اعتماد جهت استفاده و به‌کارگیری آن در فرایند تصمیم‌گیری، گسترش مطالعات در زمینه دستیابی به شیوه‌های کارآمد تولیدی و گسترش آموزش‌های تخصصی فنی و حرفه‌ای حین خدمت در سه بخش خصوصی، تعاونی و دولتی، و پی‌ریزی گسترده در جهت برقراری ارتباط بنیادی مراکز تولید و تحقیقات صنعتی و کشاورزی و تربیت محقق و بهبود کیفیت تحقیقات از طریق ارتباط مراکز تحقیقاتی اعم از دولتی، تعاونی و خصوصی، با دانشگاه‌های کشور و مراکز تحقیقاتی مشابه در کشورهای پیشرفته صنعتی و کشاورزی اشاره شده است.

یکی دیگر از مظاهر عصر جدید، دستیابی به فناوری‌های جدید و پیشرفته است. در همین راستا در برنامه اول توسعه نیز بر استفاده از فناوری پیشرفته اداری، اقدام در جهت شناخت، جذب و انطباق فناوری‌های صنعتی وارداتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای شروع فعالیت‌های تحقیق و توسعه در فناوری‌های نو منطبق با خط‌مشی‌های صنعتی و همچنین کاربرد و بهره‌گیری از شیوه‌های متناسب فناوری: در تولید و صنایع پایه و استراتژیک، کاربرد فناوری پیشرفته و در سایر موارد فناوری کاربر، تأکید فراوان شده است. همه عوامل گفته شده در متن بالا، تحت تأثیر مدرنیته وارد ایران شدند و به بخشی از هویت متجدد ایرانیان تبدیل شده است.

جدول ۱. لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران

مقاله	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
لایه هویت اسلامی	عدالت اجتماعی، موازین عدل اسلامی، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، توزیع عادلانه مصرف، حمایت از آزادی‌های مشروع، ترویج و نشر آثار و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حمایت از ایجاد تعاونی‌ها، شخصیت اسلامی زن، ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی، حفظ کرامت و آزادی انسان و پرهیز از ترویج روحیه رفاه‌طلبی
لایه هویت ایرانی	تابعیت ایرانی، تولیدات ملی، کاهش وابستگی اقتصادی با خودکفایی، طرح بسیج مستضعفین و دفاع از مرزها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شناساندن میراث تمدن و فرهنگ اسلامی و ایران، حفاظت، احیا و میراث فرهنگی کشور، آثار و ارزش‌های فرهنگی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و موقعیت جغرافیایی کشور
لایه هویت متجددانه	لوازم و مظاهر تجدد (سیستم بانکی، قوه قضاییه، قوه مقننه، آموزش و پرورش رسمی، رسانه و صداوسیما، برنامه‌ریزی)، توجه ویژه به علوم و فنون مختلف، تحقیق، تتبع و نوآوری و فناوری‌های پیشرفته

۲-۵. برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷-۱۳۷۳)

۱-۲-۵. لایه هویت اسلامی

در برنامه دوم توسعه، لایه هویت اسلامی متشکل از مؤلفه‌های مهمی مانند عدالت، فرهنگ مصرف اسلامی و دوری از تجمل‌گرایی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فضائل اخلاقی و معنوی، مبارزه با از خودبیگانگی و تهاجم فرهنگی، تقویت فرهنگ اسلامی، ولایت فقیه و برخی ارزش‌های اسلامی دیگر است. یکی از عناصر هویت اسلامی، عدالت است. بنابراین در سند برنامه دوم توسعه بر روی تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی از طریق اعمال موارد زیر تأکید شده است: ۱. تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، ۲. توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل بهبود توزیع درآمد و ثروت، ۳. تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی، حمایت از اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر، ۴. اتخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت‌زدایی، ۵. تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی، ۶. پرداخت مستقیم کمک معاش ماهانه به اقشار کم‌درآمد و غیره. بعد دیگر از لایه هویت اسلامی، اشاعه فرهنگ صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف منابع و مبارزه با تجمل‌گرایی است. در همین راستا در برنامه دوم توسعه بر اهمیت مواردی چون گسترش فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی، دوری از تجمل‌گرایی و اسراف و تبذیر در بخش‌های عمومی و خصوصی و ارائه الگوهای مناسب زندگی، ارائه الگوهای مطلوب در زمینه مصرف، اشاعه فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی و مبارزه با اسراف و تبذیر، ترویج فرهنگ کار و تولید و ساده‌زیستی متناسب با امکانات و شئون جامعه اسلامی، گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی، ارائه الگوهای مصرفی قابل قبول و مطابق امکانات و شئون جامعه اسلامی

اشاره شده است. در برنامه دوم توسعه، ارزش‌های اسلامی و انقلابی در قالب شاخص‌هایی چون تعیین تشکیلات کلان دولت، انتصاب مدیران لایق، نظارت دقیق بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی با تکیه بر گسترش ارزش‌های اسلامی و انقلابی، اشاعه افکار و آرمان‌های امام خمینی (ره)، تقویت و ترجیح ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی نشان داده شده است.

اصل ولایت فقیه نیز یکی دیگر از عناصر هویت اسلامی ایرانیان است که برگرفته شده از آیات و روایات اسلامی است و توسط امام خمینی (ره) به صورت یک نظریه غالب شیعی ظهور پیدا کرد. در برنامه دوم توسعه نیز بر «ارتقای بینش اعتقادی و سیاسی در زمینه امامت و رهبری جامعه اسلامی» (طیسی توکل، ۱۳۹۰: برنامه دوم/بخش دوم/۳-۴) تأکید شده است. رشد فضائل اخلاقی - معنوی و مبارزه با تهاجم فرهنگی، از دیگر ابعاد هویت اسلامی موجود در برنامه دوم توسعه است و در این برنامه بر رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه، معرفی ابعاد گوناگون سیره اهل بیت (ع)، تعمیق معرفت دینی و ارزش‌های اسلامی، هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، گسترش آموزش‌های مستقیم در زمینه‌های اخلاقی و معنوی، توجه به سازماندهی و توسعه فعالیت، تقویت تفکر و گرایش‌های اسلامی، ایمان مذهبی و ترغیب به عمل صالح و تشویق به انجام فرائض دینی و تعظیم شعائر مذهبی، بسیج کلیه امکانات و دستگاه‌های ذی‌ربط در جهت ریشه‌کنی اعتیاد و مبارزه با مفسدات اجتماعی و تهاجم فرهنگی، آگاه ساختن جوانان نسبت به موارث غنی فرهنگی، اسلامی و ملی و مبارزه با روحیه حقارت و ازخودبیگانگی در برابر فرهنگ غرب، ترویج رفتار مناسب فردی، خانوادگی و اجتماعی و مبارزه با رواج الگوهای ناهنجار رفتاری ناشی از تراوش فرهنگی بیگانه، تقویت روح مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و مفسدات اجتماعی و بزهکاری و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است. در برنامه دوم توسعه مواد دیگری مانند گسترش ترجمه قرآن کریم و متون معتبر اسلامی به زبان‌های زنده دنیا، تلاش در جهت ایجاد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی اسلامی، حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن، ایجاد شوراهای اسلامی، روحیه تعاون، گسترش سنت قرض‌الحسنه و نظام بانکداری اسلامی وجود دارد که می‌توان آنها را در زمره لایه هویت اسلامی جای داد.

۲-۲-۵. لایه هویت ایرانی

در سند برنامه دوم توسعه در ارتباط با هویت ایرانی، می‌توان به چندین بُعد آن اشاره کرد. یکی از ابعاد مورد توجه در ارتباط با ارتقای تولید ملی، کاهش وابستگی اقتصاد کشور و رسیدن به خودکفایی است که باعث تقویت حس خوداتکایی و اعتماد به نفس و استقلال در میان جامعه می‌شود (همان: برنامه دوم/ تبصره ۳/۲۱ و تبصره ۳/۲۱ ب). یکی دیگر از ابعاد هویت ایرانی، بُعد سرزمینی آن است. بنابراین در برنامه دوم توسعه بر حفظ و صیانت از مرزها و دفاع از تمامیت ارضی و پاسداری از انقلاب اسلامی اشاره شده است. در همین راستا بر ایجاد و تقویت زمینه‌های لازم جهت اجرای طرح بسیج مستضعفین، برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر دشمنان تأکید شده است. در سند برنامه دوم توسعه، همچنین بر اهمیت زبان و ادبیات فارسی نیز (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت ایرانی) اشاره شده است (همان: برنامه دوم/ تبصره ۵۷).

از دیگر ابعاد هویت ایرانی قابل استنباط در سند برنامه دوم توسعه، توجه به اصول و ارزش‌های ملی مورد توافق جامعه است که می‌توان به مواردی همچون حفظ ارزش پول ملی، همکاری همه‌جانبه دولت و ملت در گسترش روح تفاهم اجتماعی، وحدت و انسجام ملی، قانون‌گرایی، تبادل نظر و خیرخواهی و دلسوزی متقابل دولت و ملت، احتراز جدی از بی‌نظمی، قانون‌شکنی و هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق اشخاص، ملت و نظام، گسترش قداست قانون و قانون‌گرایی، گسترش فرهنگ کار و تولید و تقویت وجدان کاری، گسترش روح انتقادپذیری، سازندگی و خیرخواهی، تعاون و تفاهم و همبستگی در پیشرفت کلیه امور، گسترش و تقویت و آموزش فرهنگ نظم و انضباط و قانون‌گرایی و رعایت اخلاق و حقوق و ارزش‌های اجتماعی در کلیه آحاد جامعه و نهادها و ارگان‌های کشور، پرورش روحیه همبستگی ملی و احترام به قانون و ارزش‌های انقلاب اسلامی و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری، نظم و انضباط و تعاون عمومی و همبستگی اجتماعی اشاره کرد.

۲-۲-۵. لایه هویت متجددانه و جهانی

در برنامه دوم توسعه نیز بر برخی عوامل و مظاهر تجدد، مانند توسعه پایدار، مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه‌ها، قوه قضاییه، نظام اداری، قانون بیمه همگانی، سیستم بانکی و مدارس،

دانشگاه‌ها، صداوسیما و مطبوعات به‌عنوان بخشی از هویت متجدد ایرانیان تأکید شده است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عصر جدید، گسترش وسایل ارتباطی و اطلاعاتی است، در همین راستا در برنامه دوم توسعه نیز بر توسعه شبکه‌های تلویزیونی، توسعه وسایل ارتباط جمعی اعم از مکتوب و سمعی و بصری و استفاده از کانال‌های ماهواره‌ها اشاره شده است.

از دیگر مسائل مورد توجه در سند برنامه دوم توسعه که تحت تأثیر ورود مجدد به ایران است، می‌توان به امر تحقیق و پژوهش، علوم و فنون جدید، خلاقیت، نوآوری و تربیت نیروی کار ماهر اشاره کرد. در همین زمینه، در این برنامه مسائلی چون توسعه امور تحقیقاتی، ترویج تشکلهای و ساختارهای صنعتی - تحقیقاتی، نظام‌دهی و به‌کارگیری تحقیقات به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور، اهتمام به امر پرورش روح خلاقیت، نوآوری در زمینه‌های علمی فرهنگی، هنری، آشنا ساختن جوانان با علوم و فنون جدید، تقویت بنیه علمی و تفکر نقادانه، ایجاد، توسعه و تقویت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، ایجاد نظام تحقیقاتی جهت افزایش، ساماندهی فعالیت‌های تحقیقاتی، برقراری رابطه منسجم بین مراکز علمی و تحقیقاتی با مراکز فرهنگی، تقویت ارتباط بین تحقیقات، کاربرد و آموزش، برقراری رابطه هر چه بیشتر بین مراکز علمی، تحقیقاتی کشور و مراکز تولیدی صنعتی و بها دادن به آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر بیان شده است.

یکی دیگر از ابعاد هویت متجددانه ایرانیان در ارتباط با تجدید، مسئله به دست آوردن، تولید و استفاده از فناوری‌های پیشرفته و مناسب در راستای توسعه و پیشرفت کشور است که از چشم طراحان برنامه دوم توسعه دور نمانده است. بنابراین در برنامه دوم بر مسائلی چون استفاده از فناوری‌های پیشرفته، بهبود فناوری و مدرن کردن فرایندهای تولیدی، طراحی الگو و تدوین استراتژی توسعه علوم و فناوری، همراه کردن انتقال فناوری با خرید خدمات و تجهیزات از خارج از کشور، توسعه نرم‌افزاری فناوری به‌منظور استفاده از تجهیزات و امکانات موجود، به‌کارگیری هر چه بیشتر دانشگاه‌ها در امر انتقال فناوری، ایجاد شرایط توسعه کمی و کیفی فناوری داخلی و ایجاد ابداعات و توجه لازم به علوم و فنون و فناوری مورد نیاز اشاره و تأکید شده است.

جدول ۲. لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران

مقاله	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
لایه هویت اسلامی	عدالت، فرهنگ مصرف اسلامی، دوری از تجمل‌گرایی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فضائل اخلاقی و معنوی، مبارزه با تهاجم فرهنگی و ازخودبیگانگی، تقویت فرهنگ اسلامی، ولایت فقیه، ترویج فرهنگ کار و تولید و ساده‌زیستی، اشاعه افکار، آثار و آرمان‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اصول عزت، حکمت و مصلحت، تقویت روابط با کشورهای همسایه و اسلامی، دور نمودن تشنج از مرزها، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، ابعاد گوناگون سیره اهل بیت(ع)، تعمیق معرفت دینی و ارزش‌های اسلامی، فرائض دینی و شعائر مذهبی، موارث غنی اسلامی، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، قرآن کریم و متون معتبر اسلامی و شخصیت اسلامی زن
لایه هویت ایرانی	ارتقای تولید ملی، کاهش وابستگی اقتصادی و رسیدن به خودکفایی، حفظ و صیانت از مرزها و دفاع از تمامیت ارضی، تقویت بسیج مستضعفین، زبان و ادبیات فارسی، اصول و ارزش‌های ملی، پول ملی، تفاهم اجتماعی، وحدت و انسجام ملی، قانون‌گرایی، رعایت اخلاق و همبستگی اجتماعی
لایه هویت متجددانه	لوازم و مظاهر تجدد (مجلس، دولت، قوه قضاییه، نظام اداری، سیستم بانکی و مطبوعات)، توجه به علوم و فنون جدید، نیروی کار ماهر، تنوع، نوآوری و خلاقیت و فناوری‌های پیشرفته

۳-۵. برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

۱-۳-۵. لایه هویت اسلامی

لایه هویت اسلامی در سند برنامه سوم توسعه بر چند مؤلفه تأکید دارد. مهم‌ترین مؤلفه لایه هویت اسلامی در برنامه سوم، حفظ، توسعه و اجرای عدالت اجتماعی در تمام سطوح آن در جامعه است. بنابراین در اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی و به منظور دستیابی به توسعه و اجرای عدالت اجتماعی، بر عواملی چون نظام تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند، به منظور بهبود ارائه خدمات به محرومین و اقشار آسیب‌پذیر و ساماندهی متمرکز خدمات قابل ارائه به آنان کلیه خدمات حمایتی به محرومین و اقشار آسیب‌پذیر توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) و کلیه خدمات توان‌بخشی به معلولان توسط سازمان بهزیستی انجام می‌شود، نظام بیمه همگانی، پرداخت یارانه، عدالت قضایی، توسعه ارتباطات به نقاط غیر برخوردار، فراهم کردن امکان استفاده عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالاها و خدمات فرهنگی، ورزشی و هنری به منظور ایجاد تعادل و کاهش نابرابری‌ها، تساوی فرصت‌ها و مشارکت معلولین در جامعه و قانون نظام هماهنگ پرداخت، به عنوان عناصر مختلف عدالت اجتماعی که نشانگر هویت اسلامی است، تأکید شده است.

یکی از مسائل مورد توجه در برنامه دوم، توجه به اندیشه‌های اسلامی و انقلابی امام

خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. در همین راستا بر اعتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای در تحکیم مبانی فکری ارزش‌های انقلاب اسلامی (طیسی توکل، ۱۳۹۰: ماده ۱۵۹)، ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلام و ایران اسلامی و استفاده از اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی، و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اشاره شده است. یکی از مفاهیم و عناصر هویت اسلامی، مساجد و اماکن مذهبی است که در برنامه دوم توسعه نیز بر اهمیت آن اشاره شده است. بنابراین بر اماکن مذهبی، اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد (همان: ماده ۱۶۳)، احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی و اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی، تأکید شده است که موجبات آموزش همگانی قرآن کریم را نیز فراهم می‌کند. در این راستا، جهت‌دهی رسانه‌ها به سمت سالم‌سازی فضای عمومی در جهت رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. برخی از اصول اسلامی موجود در سند برنامه سوم توسعه که بیشتر بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی (همان: ماده ۱۸۶) دارد، عبارتند از: ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم، مقابله با افزون‌خواهی کشورهای متخاصم، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی. از دیگر اصول و ارزش‌های اسلامی موجود در برنامه سوم توسعه که تشکیل‌دهنده هویت اسلامی هستند، می‌توان شاخص‌هایی چون شوراهای اسلامی شهر و روستا و مراکز دینی و مذهبی، قانون عملیات بانکی بدون ربا و اجرای سیاست‌های صرفه‌جویی را نام برد.

۲-۳-۵. لایه هویت ایرانی

کلمه هویت یک بار و در ارتباط با معماری و کالبد شهرها با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌عنوان یکی از عناصر هویت ایرانی، در برنامه سوم توسعه آمده است. یکی از ابعاد هویت ایرانی که به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، ایجاد شده و به بخشی از هویت ایرانیان تبدیل شده است، فرهنگ بسیج و فرهنگ مقاومت و پایداری است. چنانکه در برنامه سوم توسعه بر نیروی مقاومت بسیج، تحقق آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیرامون ارتش بیست

میلیونی و اشاعه تفکر بسیجی و مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین (همان: ماده ۱۷۵)، دفاع از مرزهای کشور و مساعدت و مشارکت در حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی و گلزار شهدا تأکید شده است. یکی دیگر از عناصر هویت ایرانی که در برنامه سوم توسعه بسیار مورد توجه بوده است، «حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور» (همان: ماده ۱۶۵) است و در مواد و بندهای مختلفی بر اهمیت این امر تأکید شده که می‌توان به برخی از مهم‌ترین آنها در اینجا اشاره کرد: تأمین هزینه‌های مربوط به تقویت امر حفاظت از میراث فرهنگی، مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی فرهنگی، توسعه امکانات و حفاظت آثار ملی و میراث فرهنگی، همکاری در حفاظت از ابنیه و آثار تاریخی و فرهنگی و بافت‌ها و محوطه‌های فرهنگی - تاریخی و ممانعت از تغییر کاربری آنها و اشیای عتیقه و میراث فرهنگی و صنایع دستی.

تاریخ یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت هر ملتی است که بیانگر فرهنگ، تمدن و روح جمعی آن ملت است. در برنامه دوم توسعه نیز به نوعی بر تاریخ به‌عنوان یکی از عناصر هویت ایرانی اشاره شده است (همان: برنامه سوم/ماده ۱۴۸). تقویم سال تحصیلی نظام آموزش و پرورش ملی ایران، مبتنی بر تقویم هجری شمسی است که بیانگر و حاوی تاریخ این کشور است و می‌تواند با یادآوری اتفاقات و حوادث تاریخی، مثل ملی شدن صنعت نفت، وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و... در شکل‌گیری و تقویت هویت ملی دانش‌آموزان نقش اساسی ایفا کند. از دیگر عناصر هویت ایرانی که در سند برنامه سوم توسعه مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان به حمایت از تولید ملی و صادرات، افزایش تولید به‌منظور کاهش وابستگی و حفظ استقلال کشور و همچنین حفظ ارزش پول ملی اشاره کرد.

۳-۵. لایه هویت متجددانه و جهانی

لوازم و مظاهر تجدد، به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایرانی در سند برنامه سوم توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر در این سند به مواردی مانند به‌کارگیری فناوری‌های نو در تولید، توسعه و بهره‌برداری از شبکه‌های تلویزیونی، فناوری‌های جدید و استراتژیک، ایجاد شرکت‌های صنعتی و خدماتی، شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری، نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، سینماها، جمعیت هلال

احمر جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی، قوه قضاییه، نظام اداری، سازمان برنامه و بودجه، قوه مقننه، توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی، آموزش و پرورش عمومی، سیستم بانکی، شرکت سهامی راه آهن، سازمان هواپیمایی کشوری، ایجاد و حفظ شبکه‌های مادر مخابراتی، شبکه تلفن همراه، سازماندهی و تقویت صنایع الکترونیک، دادوستد الکترونیکی، شهرک‌های صنعتی و توسعه کارآفرینی به‌عنوان عناصری که با ورود تجدد به ایران؛ وارد فرهنگ و تمدن ایرانی شده، توجه می‌کند.

در برنامه سوم توسعه از دیگر ابعاد تجدد؛ علوم، فنون، تحقیقات و آموزش نیز با اهمیت تلقی شده است. در این برنامه بر اهمیت بهره‌گیری از علوم و فناوری‌ها (همان: ماده ۱۵۹/الف)، تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و مراکز تحقیقاتی، واحدهای آموزشی فنی و حرفه‌ای، حمایت از گسترش کمی و کیفی فعالیت‌های مراکز پژوهشی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، حمایت کمی و کیفی از فعالیت‌های پژوهشی و فناوری، توسعه کمی و کیفی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیروی کار و ارائه آموزش‌های متنوع مهارتی و انجام پژوهش‌های بنیادی و پایه که به جذب و تولید دانش فناوری نو منتهی می‌شود، توجه و تأکید فراوان شده است. همچنین از دیگر اصول و عناصر هویت متجددانه موجود در برنامه سوم توسعه می‌توان به زمینه‌سازی برای اتصال کشور به شبکه‌های جهانی، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شاهراه‌های اطلاعاتی لازم، و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و رسانه‌های گروهی اشاره کرد.

جدول ۳. لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران

مقوله	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
لایه هویت اسلامی	عدالت اجتماعی، خدمات حمایتی به محرومین و اقشار آسیب‌پذیر، عدالت قضایی، تساوی فرصت‌ها، اندیشه‌های اسلامی و انقلابی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، معرفت دینی و قرآنی، ترویج فرهنگ و ارزش‌های والای اسلامی فرهنگ ایثار و شهادت، مساجد و اماکن مذهبی، آموزش همگانی قرآن کریم، رشد فضائل اخلاقی، پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم، مقابله با افزون‌خواهی کشورهای متخاصم، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی
لایه هویت ایرانی	فرهنگ ایرانی - اسلامی، معماری ایرانی - اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری، دفاع از مرزهای کشور، حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی و گلزار شهدا، تقویم آموزشی (تاریخ)، حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور، مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی - فرهنگی، حفظ بافت قدیمی و سنتی منطقه جماران، صنایع دستی و اشیای عتیقه
لایه هویت متجددانه	لوازم و مظاهر تجدد (مجلس، دولت، قوه قضاییه، نظام اداری، سیستم بانکی، مطبوعات و...)، توجه به علوم و فنون جدید، نیروی کار ماهر، تتبع، نوآوری و خلاقیت و فناوری‌های پیشرفته

۵-۴. برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

۱-۴-۵. لایه هویت اسلامی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های لایه هویت اسلامی در برنامه چهارم توسعه، برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد (همان: ماده ۱۳۵/الف/۲)، از طریق مواردی چون استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، برنامه‌های جامع فقرزدایی (همان: ماده ۹۵)، گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی در ابعاد جامعیت، فراگیری و اثربخشی، ساماندهی نظام خدمات حمایت‌های اجتماعی، ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی - درمانی، فرصت‌های برابر آموزشی، ارتقای عدالت توزیعی، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی، عزت نفس، برابری فرصت‌ها، آزادی و امنیت نیروی کار، منع تبعیض در اشتغال، برابری فرصت‌ها و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب و غیره تأکید فراوان شده است.

از مؤلفه‌های اسلامی دیگر در برنامه چهارم توسعه، دستیابی و تقویت فرهنگ دینی، قرآنی و اخلاقی است. در همین زمینه، در ماده ۱۰۶ برنامه چهارم توسعه آمده است که دولت مکلف است، به‌منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های زیر را انجام دهد: بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم، گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی و صیانت از هویت ایرانی - اسلامی، حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی، تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز و تداوم نهضت قرآن‌آموزی، تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف، تقویت سهم کتاب‌خوانی در حوزه دین در کشور، به‌ویژه مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی، ساماندهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی، تدوین و اجرای

برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی، تهیه طرح جامع مطالعه و اجرای همگرایی مذاهب برای تقویت همگرایی بیشتر میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور، توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم برای حمایت از هیئت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی و غیره.

سومین مؤلفه برجسته هویت اسلامی در برنامه چهارم توسعه، اندیشه‌های دینی و سیاسی امام خمینی (ره) است. در ماده ۱۰۸ برنامه چهارم توسعه آمده است که دولت موظف است به منظور زنده و نمایان نگه‌داشتن اندیشه دینی و سیاسی و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به‌عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تسری آن در مجموعه ارکان نظام، اقدام‌های زیر را انجام دهد: حمایت از انجام مطالعات بنیادی و کاربردی در عرصه فرهنگ‌سازی، پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی و حمایت از پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی با موضوعات مربوط به امام (ره) و انقلاب اسلامی، حمایت از تولید و نشر آثار ارزنده علمی، هنری و ادبی مربوط به حضرت امام (ره)، حمایت از تولید برنامه‌های متنوع و متناسب در جهت تبیین و بزرگداشت سیره و آرای حضرت امام (ره)، نشر و تبلیغ اندیشه و سیره عملی و بزرگداشت یاد امام (ره) توسط شهرداری‌ها، آشنایی و ارتباط نسل جوان با اندیشه و زندگی امام (ره).

از دیگر اصول گوناگون اسلامی موجود در برنامه چهارم توسعه می‌توان از شورای نگهبان، الزام بانک‌ها به پرداخت تسهیلات با نرخ کمتر در قالب عقود اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، فرهنگ صحیح و منطقی مصرف، وام بلندمدت قرض‌الحسنه، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی، ترویج فرهنگ تعاون، شوراهای اسلامی شهر و روستا، حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد، انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی جهت ترویج فضایل اخلاقی و معارف اسلامی و تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، نام برد که به نوعی اجزای هویت اسلامی را تشکیل می‌دهند.

۲-۴-۵. لایه هویت ایرانی

در ماده ۱۰۹ برنامه چهارم توسعه در ارتباط با اهمیت هویت تاریخی ایران و زبان فارسی

آمده است که دولت موظف است، به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به‌ویژه زبان فارسی، اقدام‌های زیر را انجام دهد: حمایت از پژوهش‌های علمی و بین‌رشته‌ای در زمینه ایران‌شناسی و گذشته‌طولانی تاریخی و تدوین گزارش‌ها و کتاب‌های لازم، گردآوری نظام‌یافته تاریخ شفاهی و عناصر فرهنگ ملی و بومی، حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی، تربیت و تشویق معلمان ورزیده و کارآموده درس زبان فارسی، تعامل فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی، تکریم و معرفی مفاخر و آفرینش‌های فرهنگی و ادبی کشور، شناسایی اصول و ضوابط شکل‌گیری معماری ایرانی - اسلامی و غیره.

از مؤلفه‌های دیگر هویت ایرانی در برنامه چهارم نیز فرهنگ گفت‌وگو، صلح و مفاهمه است. بنابراین در ارتباط با همین مؤلفه، در ماده ۱۱۰ برنامه چهارم توسعه آمده است که دولت مکلف است، به منظور ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، اقدام‌های زیر را انجام دهد: حضور فعال در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در باب گفت‌وگوی تمدن‌ها (همان: ماده ۱۱۰/الف) و بهبود ساختارهای اجرایی و حمایت از تأسیس نهادهای غیردولتی، برای تحقق عملی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها (همان: ماده ۱۱۰/ه).

درباره هویت اسلامی و ایرانی در ماده ۱۱۳ برنامه چهارم آمده است که دولت مکلف است به منظور تجلی و توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی، در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و نیز تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار، اقدام‌های لازم را انجام دهد: طرح کاربرد نمادها و نشانه‌ها و آثار هنری ایرانی و اسلامی در معماری و شهرسازی و سیمای شهری، نام‌گذاری اماکن و محصولات داخلی، ایجاد زمینه‌سازی برای احداث موزه علوم و فناوری و پارک‌های علمی عمومی و موزه‌های کوچک و نمایشگاه‌های معرفی دستاوردهای نوین صنعتی کشور، تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگانی که محصولات خود را متناسب با مزیت‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی کشور تولید می‌کنند، استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های فرهنگی، در تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی و سیاست‌گذاری،

هماهنگی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور.

یکی از ابعاد هویت ایرانی که در برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه‌های قبلی دارای برجستگی خاصی است، موضوع میراث تاریخی - فرهنگی ایرانیان و نحوه مرمت و محافظت از آن است. بر همین اساس ماده ۱۱۴ برنامه چهارم توسعه بر اهتمام ملی در شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیا، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارتقای توان گردشگری، تولید ثروت و اشتغال‌زایی و مبادلات فرهنگی در کشور تأکید دارد.

از ابعاد مهم هویت ایرانی در این برنامه، بُعد سرزمینی و جغرافیایی هویت ایرانی است. بر همین اساس در برنامه چهارم بر موقعیت سرزمینی کشور، بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، و همچنین جزایر ایرانی خلیج فارس (همان: ماده ۲۳)، به‌عنوان بخشی از سرزمین و خاک ایران، تأکید فراوان شده است. بنابراین، حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور (همان: ماده ۱۲۱)، از اهمیت خاصی برخوردار است. در سند برنامه چهارم توسعه که برخی از آنها تحت تأثیر سند چشم‌انداز بیست ساله کشور است، می‌توان به مواردی همچون ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن (همان: ماده ۱۰۰)، افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی، ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی، ترویج گفت‌وگوی اجتماعی، نیروی مقاومت بسیج، تعمیق شناخت مؤلفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه‌گری، آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، نظم، مدارا و زیست سالم، توسعه و تقویت روش‌ها و زمینه‌های ارتباط و مراوده با ایرانیان مقیم خارج از کشور به‌منظور حفظ هویت ملی و اسلامی و بهره‌گیری از سرمایه‌های مادی، معنوی و علمی آنان در چارچوب مصوبات شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، حفاظت از ساختار فرهنگی هویت ایرانی - اسلامی، توسعه

مناطق مرزی با هدف تقویت همگرایی‌های ملی و غیره اشاره کرد.

۳-۴-۵. لایه هویت متجددانه و جهانی

با توجه به سند برنامه چهارم توسعه می‌توان به مواردی مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ارتقای فناوری در تولید، مصرف و نیز تجهیزات و تأسیسات، وزارتخانه‌ها، قوه مقننه مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مهارتی)، نظام بانکداری الکترونیکی، روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی، بازار بورس، توسعه پایدار، توسعه صنعتی و تولید صنعتی و معدنی، توسعه کارآفرینی، استفاده از علوم و فناوری‌های نوین، شهرک‌های صنعتی، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌های کشور، شبکه راه آهن، حمل و نقل هوایی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تجارت الکترونیکی، قوه قضاییه، نوین‌سازی شبکه‌های توزیع کشور، اهمیت نقش دانش و فناوری و مهارت، استقرار جامعه اطلاعاتی، محصولات دانایی محور و دانش‌بنیان، پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری، تربیت نیروی انسانی روزآمد، آموزش و پرورش رسمی، آموزش زبان انگلیسی، گسترش کمی و کیفی نهادها و تشکل‌های مدنی، به‌عنوان عناصر هویت متجددانه ایرانیان اشاره کرد.

در برنامه چهارم توسعه همچنین موادی مانند بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی در اقدام‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملی (همان: ماده ۹۷/۲)، توسعه تحقیقات کاربردی، گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی، مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی، تحقیقات توسعه‌ای، تدوین و تولید دانش فنی، ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی (همان: ماده ۴۸/ج)، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، در زمینه علوم و فنون جدید و اهمیت تحقیق و پژوهش وجود دارد که همگی برگرفته از تأثیرات جریان مدرنیته در ایران می‌باشد.

جدول ۴. لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

مقوله	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
لایه هویت اسلامی	عدالت و تأمین اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، ارتقای عدالت توزیعی، تأمین آزادی، رفع هرگونه تبعیض جنسی، قومی و گروهی، برابری فرصت‌ها، فرهنگ دینی، قرآنی و اخلاقی، فرهنگ معنویت، اعتلای معرفت دینی، توسعه فرهنگ قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر، ترویج و توسعه فرهنگ نماز، نهضت قرآن‌آموزی، فرهنگ وقف و امور خیریه، فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ کار و نظم اجتماعی، همگرایی مذاهب، پرهیز از خرافات و انحرافات، اندیشه‌های دینی و سیاسی امام خمینی (ره)، حفظ و نگهداری اماکن و میدان تاریخی وقایع انقلاب اسلامی، فرهنگ صحیح مصرف و فرهنگ تعاون
لایه هویت ایرانی	تاریخ شفاهی ایران، گویش‌ها و لهجه‌ها و آداب و رسوم و عناصر فرهنگ ملی و بومی، خط و زبان فارسی، فرهنگ و میراث معنوی ملی، تکریم و معرفی مفاخر، معماری ایرانی - اسلامی، فرهنگ گفت‌وگو، صلح و مفاهمه، جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نمادها و نشانه‌ها و آثار هنری ایرانی و اسلامی، یادمان‌های دفاع مقدس، آثار و میراث تاریخی - فرهنگی ایرانیان، فرهنگ سنتی، قومی، ایلی و ملی، نفایس ملی، موقعیت سرزمینی کشور، جزایر ایرانی خلیج فارس، حفاظت از تمامیت ارضی کشور، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، ترویج گفت‌وگوی اجتماعی، نیروی مقاومت بسیج، ترویج روحیه دفاع از منافع ملی، مخالفت با ظلم و سلطه‌گری، فرهنگ مدارا و زیست سالم، تقویت همگرایی ملی و حمایت از تولید ملی
لایه هویت متجددانه	لوازم و مظاهر تجدد (برنامه‌ریزی، ارتقای فناوری در تولید، قوه مقننه، قانون اساسی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مهارتی)، روزنامه‌ها و رسانه‌ها، آموزش زبان انگلیسی، نهادها و تشکلهای مدنی)، بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی، ارتقای توانایی خلاقیت و نوآوری، اهمیت به علوم و فنون جدید و تحقیق و پژوهش

۵-۵. برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

۱-۵-۵. لایه هویت اسلامی

در ماده اول برنامه پنجم توسعه آمده است: دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد (همان: برنامه پنجم/ماده ۱).

قرآن کریم ضمن توضیح تأکید بر عدالت در فرهنگ ادیان، بر پابندی به عدالت در داوری، تأکید می‌کند و از حقوق اقلیت و قرار گرفتن عدالت به عنوان اصل حاکم بر سیاست و سیره پیامبران سخن به میان می‌آورد و در بسیاری از سوره‌های قرآن بر عدالت اجتماعی تأکید شده است (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). یکی از مهم‌ترین عناصر هویت اسلامی که به عنوان دال مرکزی گفتمان دولت نهم و دهم محمود احمدی‌نژاد نیز مطرح شد، مفهوم عدالت و دستیابی، حفظ و گسترش آن در جامعه اسلامی ایران و جامعه بین‌المللی

است. در همین راستا، عدالت در سند برنامه پنجم توسعه از جایگاه مهم و برجسته‌ای برخوردار است و در مواد و بندهای مختلفی مانند سهام عدالت و قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به آن اشاره شده است که به برخی از این اصول و شاخص‌ها در زیر اشاره می‌شود: بسط گفتمان عدالت‌خواهی در روابط بین‌الملل و توسعه و تعمیق دیپلماسی عدالت‌خواهانه در جهان، پیگیری حمایت از حقوق مسلمانان، توزیع عادلانه و رفع تبعیض، رعایت عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها، گسترش عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه، زدودن فقر، رفع نابرابری و تبعیض و توسعه دسترسی جامعه به عدالت قضایی.

یکی از عناصر هویت اسلامی موجود در برنامه پنجم توسعه، مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (طیبی توکل، ۱۳۹۰: ماده ۵) است و در همین زمینه بر راهکارها و مواردی مانند تعلیم و تربیت اسلامی، تقویت ابعاد معنوی، بصیرت‌افزایی، خودباوری و تعلق ملی، اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی، مراکز فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی و آموزه‌های دینی و قرآنی، تقریب مذاهب اسلامی و تقویت گفت‌وگو و همگرایی بین پیروان ادیان و نخبگان علمی و فکری جهان و توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی، توسعه آموزش‌ها و پژوهش‌های بنیادین کاربردی در حوزه‌های دین و نشر فرهنگ و معارف اسلامی، ساماندهی فضای رسانه‌ای کشور و مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه و جرائم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای و غیره اشاره شده است.

یکی دیگر از عناصر هویت اسلامی، فضاها و اماکن مذهبی و معنوی مانند امام‌زاده‌ها و مساجد است. در همین ارتباط، در ماده ۶ برنامه پنجم توسعه آمده است که به منظور توسعه فضاها و اماکن مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود: وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظفند اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند، مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی

جدیدالاحداث موظفند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند، فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند، نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند و ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد.

در ماده ۷ برنامه پنجم توسعه درباره اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت اسلامی - انقلابی ملت ایران، آمده است که دولت به‌منظور زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی و سیره عملی رهبران انقلاب و برجسته کردن نقش آن به‌عنوان یک معیار اساسی در تدوین الگوی توسعه اسلامی - ایرانی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها و تسری آن به مجموعه ارکان نظام و تجهیز کتابخانه‌های عمومی کشور و کتابخانه‌های معتبر خارجی به آثار منتشر شده در این زمینه، و همچنین تشویق پدیدآوردگان آثار برتر علمی، فرهنگی، هنری و ادبی مرتبط و نیز چهره‌ها و شخصیت‌های انقلابی و عدالت‌خواه در سطح جهان به‌ویژه افرادی که اقدامات مؤثر در جهت ترویج اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری انجام دهند با رعایت اصل یکصدویست‌ونهم قانون اساسی، نشان ملی حضرت امام (ره) و رهبری اعطا نماید.

یکی از راهکارهای تقویت هویت اسلامی در برنامه پنجم توسعه، تحول بنیادین در آموزش عالی به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، تحقق جنبش نرم‌افزاری و تعمیق مبانی اعتقادی، ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و با هدف ارتقای کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی، از طریق بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی (همان: ماده ۱۵/الف)، نهادینه کردن تجارب علمی و عملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های مرتبط (همان: ماده ۱۵/ج)، همکاری با حوزه‌های علمیه و بهره‌مندی از ظرفیت‌های حوزه در عرصه‌های مختلف (همان: ماده ۱۵/د) و تولید علم بومی با تأکید بر علوم انسانی است.

از دیگر عناصر، اصول و ارزش‌های تشکیل‌دهنده هویت اسلامی - انقلابی در این برنامه، می‌توان به عناصر و مواردی همچون فرهنگ اسلامی - ایرانی، استمرار، توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، حفظ کرامت و منزلت ایثارگران و رزمندگان، قانون مجازات اسلامی، رعایت ضوابط اسلامی، مؤسسات خیریه عمومی، سنت پسندیده

قرض الحسنه، بانکداری بدون ربا، ترویج استفاده از ابزارهای تأمین مالی اسلامی، عقود اسلامی استصناع؛ مرابحه و خرید دین، اصلاح الگوی مصرف، شوراهاى اسلامی شهر و روستا، توسعه بخش تعاون، موقوفات، نذورات، اثلاث باقیه، محبوسات و صدقات و موقوفات عام غیرمتصرفی و دارای تولیت، آرمان‌ها و مبانی اندیشه انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، حفظ حریم خصوصی اشخاص، تربیت نیروی انسانی متعهد و انقلابی، توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم بنیاد خانواده، مبارزه با جریانات، گروه‌ها و باندهای سازمان‌یافته مروج انحرافات اخلاقی، خرافه‌پرستی، ابتذال و پوچ‌گرایی، متناسب‌سازی محیط خدمتی با اقتضانات جامعه اسلامی، تلاش برای حضور فعال، مؤثر و الهام‌بخش در مناسبات دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی و تقویت روابط حسنه با همسایگان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی و همگرایی با کشورهای منطقه و اسلامی به‌ویژه حوزه تمدن ایران اسلامی اشاره کرد.

۲-۵-۵. لایه هویت ایرانی

یکی از عناصر هویت ایرانی مورد توجه در سند برنامه پنجم توسعه، میراث تاریخی و فرهنگی ایرانیان است، بنابراین در همین راستا در ماده ۱۱ برنامه چهارم توسعه در ارتباط با اهمیت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مجاز آمده است: اقدامات قانونی در جهت امکان ایجاد مراکز فرهنگی و گردشگری و نحوه تأسیس مراکز تخصصی غیردولتی را در زمینه میراث فرهنگی از قبیل موزه‌ها، مرمت آثار فرهنگی و تاریخی، کارشناسی اموال تاریخی و فرهنگی فراهم نماید، از راه‌اندازی موزه‌های تخصصی به‌ویژه موزه‌های دفاع مقدس و شهدا توسط مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، تعاونی و بخش خصوصی حمایت مالی نماید و آثار فرهنگی تاریخی و میراث معنوی حوزه فرهنگی ایران، موجود در کشورهای همسایه و منطقه و سایر کشورها به‌عنوان میراث فرهنگی را شناسایی و از آنها حمایت کند.

در این برنامه همچنین در مواد دیگری بر اهمیت صنایع دستی و میراث فرهنگی، تدوین و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی و توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و مورد نظر برای هویت‌بخشی، به‌عنوان عناصر میراث تاریخی و فرهنگی هویت ایرانی تأکید شده و صدور اشیای عتیقه و

میراث فرهنگی را ممنوع می‌داند.

زبان به‌عنوان نماد هویت، شامل مجموعه‌ای از شئون علمی، آموزشی، دینی، تاریخی است که به دو دسته زبان نوشتاری و زبان گفتاری تقسیم می‌شود. خط یکی از عوامل مهمی است که در تکوین و تحویل هویت اثرگذار است، بنابراین همواره مورد توجه دولتمردان بوده است، مانند آنچه آتاتورک با یاری جنبشی غیردینی و ملی‌گرایانه و با حذف خط عربی انجام داد. زبان گفتاری نیز عامل مهمی در نمود فرهنگی هویت یک کشور به شمار می‌رود، چراکه تجلی تعاملات اجتماعی و احساسات فردی و جمعی است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۶۹). از دیگر مؤلفه‌های هویت ایرانی، تاریخ، خط و زبان و ادبیات فارسی است که در برنامه پنجم توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اهمیت این موضوع در ماده ۳ برنامه پنجم آمده است که دولت موظف است کلیه استانداردهای لازم برای خط و زبان فارسی و تاریخ هجری شمسی را حداکثر تا پایان سال اول تدوین کند (طیبی توکل، پیشین: ماده ۳/ه/تبصره ۱). همچنین شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به‌ویژه برای ایرانیان خارج از کشور (همان: ماده ۵) نیز مورد عنایت قرار گرفته است. در ارتباط با گویش‌های محلی نیز آمده است که آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل پانزدهم قانون اساسی گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت کند.

یکی دیگر از عناصر هویت ایرانی، فرهنگ بسیجی؛ یعنی فرهنگ دفاع، مقاومت و ارتقای پایداری ملی (همان: ماده ۱۹۸) است. در همین راستا در برنامه پنجم توسعه بر تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ و تفکر بسیجی از طریق تشکیل هسته‌های تربیتی، غنی‌سازی اوقات فراغت، توسعه فرهنگ ارزشی و استفاده از نخبگان بسیجی برای مشاوره و تولید فکر، آشنایی با مبانی اندیشه حضرت امام (ره) با اجرای طرح‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، اقشار و رده‌های مقاومت بسیج، حمایت از احداث و توسعه پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت بسیج، تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان و حضور بیشتر نیروهای مردمی در صحنه‌های امنیت و دفاع از کشور تأکید شده است.

همچنین در برنامه پنجم توسعه بر بُعد سرزمینی هویت ایرانی، یعنی موقعیت جغرافیایی کشور از شرق تا غرب و از دریای مازندران تا خلیج فارس و جزایر ایرانی آن و نیز حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع

ملی و انقلاب اسلامی ایران (همان: ماده ۲۰۱) اشاره شده است. آخرین عنصر هویت ایرانی موجود در این سند را می‌توان حمایت از تولیدات داخلی (همان: ماده ۷۸) کالا و خدمات ایرانی و حفظ ظرفیت تولید و نیل به خودکفایی در تولید محصولات اساسی دانست.

۳-۵-۵. لایه هویت متجددانه و جهانی

در برنامه پنجم توسعه نیز می‌توان لوازم و مظاهر عصر جدید را به‌عنوان بخشی از عناصر جدایی‌ناپذیر و تشکیل‌دهنده هویت متجددانه ایرانیان دید. در این میان می‌توان به مفاهیم و عناصری مانند قوه مجریه، مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه)، قوه قضاییه، قانون اساسی، نظام اداری، نظام آموزش و پرورش، روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی، ساماندهی، نظارت و پالایش محتوای دیداری، شنیداری و نوشتاری در فضای رسانه‌ای کشور اعم از رسانه‌های مکتوب، دیداری، شنیداری، رقومی (دیجیتال)، مجازی و شبکه‌های ارتباطی غیرمکالماتی، شبکه‌های داده و ماهواره‌ای، سازمان بورس، توسعه کارآفرینی، توسعه مراکز اطلاع‌رسانی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی، بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی، ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات، اینترنت، تجارت الکترونیک، نظام بانکداری، حمل و نقل هوایی، خدمات فرودگاهی و شبکه پروازی، شبکه حمل و نقل ریلی، ساخت و پرتاب ماهواره امن و پایدار، نظام برنامه‌ریزی، نیروگاه‌های هسته‌ای، نیروگاه‌های بادی و خورشیدی، گسترش کشاورزی صنعتی و دانش بنیان، توسعه پایدار، توسعه صنعتی و معدنی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای، نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای و فضای مجازی و شهرک‌های صنعتی اشاره کرد.

نهادی شدن علم در یک جامعه، استدلال، مطالعه، تحقیق، بحث و گفت‌وگو و اندیشه و روحیه علمی را به دنبال می‌آورد. علم به انسان کمک می‌کند تا از ذهن‌گرایی و تصحیح‌ناپذیری به سوی عینیات، محاسبه، بهبود و تصحیح و انتقادپذیری حرکت کند. توسعه ذاتاً به دنیای عینی بیشتر توجه دارد و علم هم ابزار این توجه را در اختیار انسان قرار می‌دهد و توجه او را به نظام و کارایی مجهز می‌کند (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). یکی دیگر از تأثیرات عصر جدید بر هویت متجددانه ایرانیان، بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری (طیبی توکل، ۱۳۹۰: ماده ۱۵/الف)، توجه جدی به علوم و فنون نوین و تربیت نیروی انسانی متخصص، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین (همان: ماده ۲۰/الف) است که در سند

برنامه پنجم توسعه نیز بر اهمیت این مسائل و راهکارهای رسیدن به آنها اشاره شده است. مهم‌ترین این موارد عبارتند از: ۱. کسب دانش و فناوری‌های نو و توسعه مرزهای دانش، شهرک‌های فناوری و پارک‌های علم و فناوری، گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی، فناوری روز و فناوری نوین، ۲. دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی، ۳. بانک‌های اطلاعاتی علمی معتبر، ایجاد و تقویت مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری توانمند در تراز بین‌المللی و ۳. تبدیل علم به ثروت، محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و میانی و تجاری‌سازی دانش و فناوری به‌ویژه تولید محصولات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته.

جدول ۵. لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

مقوله	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
لایه هویت اسلامی	توسعه اسلامی - ایرانی، حق و عدالت، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، دیپلماسی عدالت‌خواهانه، حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان، توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و امکانات، رفع تبعیض، سهام عدالت، عدالت قضایی، اسلام ناب محمدی (ص)، فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی - سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، تربیت اسلامی، بصیرت‌افزایی، خودباوری و تعلق ملی، آموزه‌های دینی و قرآنی، تقریب مذاهب اسلامی، تقویت گفت‌وگو و همگرایی بین ادیان، صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی، معارف اسلامی، باورهای دینی، اعتلای معرفت دینی، فرهنگ مقاومت و ایثار، فضاها و اماکن مذهبی، ترویج سیره و سنت اهل بیت(ع)، فرهنگ ایثار و شهادت، ضوابط اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، نیروی انسانی متعهد و انقلابی، فرهنگ عفاف و حجاب، الهام‌بخش در مناسبات دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی، اعتمادسازی و تنش‌زدایی و همگرایی با کشورهای اسلامی
لایه هویت ایرانی	میراث تاریخی - فرهنگی ایرانیان، موزه‌های دفاع مقدس و شهدا، حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی، بناها و آثار و اشیای عتیقه تاریخی، صنایع دستی، معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی، ایجاد خانه فرش، تاریخ هجری شمسی، خط و زبان فارسی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، گویش‌های محلی و ادبیات بومی، فرهنگ دفاع و پایداری ملی، فرهنگ و تفکر بسیج، موقعیت جغرافیایی کشور، حفاظت از تمامیت ارضی، امنیت کشور، منافع ملی و انقلاب اسلامی، حمایت از تولیدات ملی و نیل به خودکفایی
لایه هویت متجددانه	لوازم و مظاهر تجدد (قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضاییه، قانون اساسی، نظام اداری، نظام آموزش، روزنامه‌ها و رسانه‌ها)، بهره‌گیری از دستاوردهای دانش بشری، توجه به علوم و فنون جدید، تربیت نیروی انسانی متخصص، دانش‌مدار و خلاق، فناوری‌های نوین و تجاری‌سازی دانش و فناوری

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که جهت‌گیری برنامه اول توسعه، آزادسازی اقتصادی و بازسازی زیربنای آسیب‌دیده ناشی از جنگ بوده است. در این برنامه، لایه هویت اسلامی با مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، آثار و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، حفظ کرامت و آزادگی انسان‌ها، حفظ شئون خانوادگی و شخصیت اسلامی زن، ایجاد تعاون و همکاری و فرهنگ اسلامی مصرف، از برجستگی

نسبی بیشتری نسبت به دو لایه هویت ایرانی و هویت متجددانه برخوردار است. هدف برنامه دوم توسعه نیز در امتداد برنامه اول توسعه و متأثر از شرایط جنگ، رشد و توسعه اقتصادی بوده است. در این برنامه، لایه هویت اسلامی با مؤلفه‌هایی چون اشاعه فرهنگ صرفه‌جویی و دوری از تجمل‌گرایی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تقویت روابط با کشورهای اسلامی و دوری از تشنج، فضائل اخلاقی و معنوی؛ به همراه لایه هویت ایرانی با مؤلفه‌هایی چون حمایت از تولید ملی و کاهش وابستگی اقتصاد کشور، تأکید بر بُعد سرزمینی هویت ایرانی با حفاظت از مرزها و تمامیت ارضی، بسیج مستضعفین، زبان و ادبیات فارسی و اصول و ارزش‌های ملی؛ از بیشترین برجستگی نسبت به هویت متجددانه برخوردارند و بین لایه هویت اسلامی و لایه هویت ایرانی تعادل نسبی برقرار است. در برنامه سوم و چهارم توسعه، که متأثر از گفتمان فرهنگی - سیاسی دوران اصلاحات است، علی‌رغم بیان عناصر مختلف لایه هویت اسلامی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، لایه هویت ایرانی با مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ ایرانی - اسلامی، تاریخ، میراث فرهنگی و تاریخی، معماری ایرانی - اسلامی، تأکید بر خط و زبان فارسی و گویش‌های محلی، آداب و رسوم و عناصر فرهنگ ملی، تقویت تعامل فرهنگ‌ها، معرفی و تکریم مفاخر ملی، تأکید بر گسترش فرهنگ گفت‌وگو، صلح و مفاهیم، بُعد سرزمینی و جغرافیایی هویت ملی، تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی، و مفتخر به ایرانی بودن و... از برجستگی نسبی بیشتری نسبت به لایه هویت اسلامی و لایه هویت متجددانه برخوردار است. اما در برنامه پنجم توسعه بر خلاف برنامه سوم و چهارم توسعه، متأثر از گفتمان ارزش محور حاکم، یک تغییر رویکرد در برنامه توسعه ایجاد شد. در برنامه پنجم توسعه، با یک بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی اوایل انقلاب مواجه هستیم که در آن لایه هویت اسلامی با مؤلفه‌هایی مانند عدالت‌محوری، مبانی اسلام ناب محمدی (ص)، فرهنگ غنی قرآن کریم، اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، اندیشه‌های دینی و سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، باورهای دینی، فضاها و اماکن معنوی و مذهبی، ترویج سنت و سیره اهل بیت، تعمیق مبانی اعتقادی، اخلاق حرفه‌ای، الهام‌بخش در مناسبات بین‌المللی، همکاری با کشورهای اسلامی منطقه، تقویت روابط حسنه با همسایگان و تنش‌زدایی و همگرایی با کشورهای اسلامی و... از برجستگی نسبی بیشتری نسبت به لایه هویت ایرانی و

لایه هویت متجددانه برخوردار است.

به‌طور کلی بنا بر مطالعه این اسناد، می‌توان گفت که تفاوت و تمایز فاحشی بین عناصر فرهنگی و هویتی این برنامه‌های توسعه پنج‌گانه وجود ندارد و این برنامه‌ها متأثر از گفتمان حاکم بر آنها دارای برجستگی هویتی نسبی در مقایسه با دیگر عناصر و لایه‌ها هستند. در پایان بررسی مقایسه‌ای برجستگی لایه‌های هویت ملی ایرانی به همراه عناصر و مؤلفه‌های آن در جدول زیر به نمایش درآمده است.

جدول ۶. بررسی تطبیقی برجستگی لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

برنامه‌های توسعه	نوع برجستگی	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	هویت اسلامی	عدالت اجتماعی، موازین عدل اسلامی، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، توزیع عادلانه مصرف، حمایت از آزادی‌های مشروع، ترویج و نشر آثار و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حمایت از ایجاد تعاونی‌ها، شخصیت اسلامی زن، ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی، حفظ کرامت و آزادی انسان و پرهیز از ترویج روحیه رفاه‌طلبی
برنامه دوم (۱۳۷۳-۱۳۷۷)	هویت اسلامی	عدالت، فرهنگ مصرف اسلامی، دوری از تجمل‌گرایی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فضائل اخلاقی و معنوی، مبارزه با تهاجم فرهنگی و از خودبیگانگی، تقویت فرهنگ اسلامی، ولایت فقیه، ترویج فرهنگ کار و تولید و ساده‌زیستی، اشاعه افکار، آثار و آرمان‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اصول عزت، حکمت و مصلحت، تقویت روابط با کشورهای همسایه و اسلامی، دور نمودن تشنج از مرزها، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، ابعاد گوناگون سیره اهل بیت(ع)، تعمیق معرفت دینی و ارزش‌های اسلامی، فرائض دینی و شعائر مذهبی، موارث غنی اسلامی، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، قرآن کریم و متون معتبر اسلامی و شخصیت اسلامی زن
	هویت ایرانی	ارتقای تولید ملی، کاهش وابستگی اقتصادی و رسیدن به خودکفایی، حفظ و صیانت از مرزها و دفاع از تمامیت ارضی، تقویت بسیج مستضعفین، زبان و ادبیات فارسی، اصول و ارزش‌های ملی، پول ملی، تفاهم اجتماعی، وحدت و انسجام ملی، قانون‌گرایی، رعایت اخلاق و همبستگی اجتماعی
برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	هویت ایرانی	فرهنگ ایرانی - اسلامی، معماری ایرانی - اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، آرمان‌های حضرت امام خمینی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری، دفاع از مرزهای کشور، حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی و گلزار شهدا، تقویم آموزشی (تاریخ)، حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور، مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی - فرهنگی، حفظ بافت قدیمی و سنتی منطقه جماران، صنایع دستی و اشیای عتیقه

ادامه جدول ۶. بررسی تطبیقی برجستگی لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

برنامه‌های توسعه	نوع برجستگی	مستندات (واژگان دارای وجه عناصر هویتی)
برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	هویت ایرانی	تاریخ شفاهی ایران، گویش‌ها و لهجه‌ها و آداب و رسوم و عناصر فرهنگ ملی و بومی، خط و زبان فارسی، فرهنگ و میراث معنوی ملی، تکریم و معرفی مفاخر، معماری ایرانی - اسلامی، فرهنگ گفت‌وگو، صلح و مفاهیم، جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نمادها و نشانه‌ها و آثار هنری ایرانی و اسلامی، یادمان‌های دفاع مقدس، آثار و میراث تاریخی - فرهنگی ایرانیان، فرهنگ سنتی، قومی، ایلی و ملی، نفیاس ملی، موقعیت سرزمینی کشور، جزایر ایرانی خلیج فارس، حفاظت از تمامیت ارضی کشور، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، ترویج گفت‌وگوی اجتماعی، نیروی مقاومت بسیج، ترویج روحیه دفاع از منافع ملی، مخالفت با ظلم و سلطه‌گری، فرهنگ مدارا و زیست سالم، تقویت همگرایی ملی و حمایت از تولید ملی
برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴)	هویت اسلامی	توسعه اسلامی - ایرانی، حق و عدالت، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، دیپلماسی عدالت‌خواهانه، حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان، توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و امکانات، رفع تبعیض، سهام عدالت، عدالت قضایی، اسلام ناب محمدی (ص)، فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی - سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، تربیت اسلامی، بصیرت‌افزایی، خودباوری و تعلق ملی، آموزه‌های دینی و قرآنی، تقریب مذاهب اسلامی، تقویت گفت‌وگو و همگرایی بین ادیان، صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی، معارف اسلامی، باورهای دینی، اعتلای معرفت دینی، فرهنگ مقاومت و ایثار، فضاها و اماکن مذهبی، ترویج سیره و سنت اهل بیت(ع)، فرهنگ ایثار و شهادت، ضوابط اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، نیروی انسانی متعهد و انقلابی، فرهنگ عفاف و حجاب، الهام‌بخش در مناسبات دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی، اعتمادسازی و تنش‌زدایی و همگرایی با کشورهای اسلامی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی و نوح منصوری (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال اول، شماره ۳، تابستان.
۲. آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی (۱۳۸۹). «هویت فرهنگی ایرانیان؛ از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، تحقیقات فرهنگی، سال سوم، شماره ۴، زمستان.
۳. احمدی، حمید (۱۳۸۳). «هویت و قومیت در ایران»، هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۵. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
۶. اصفهانی، مینا (۱۳۸۷). «ارزیابی برنامه‌های فرهنگی در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی»، پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی (۱)، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۷. افروغ، عماد (۱۳۸۷). هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران: سوره مهر.
۸. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). تبارشناسی هویت جدید ایرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. بیات، مجید و دیان جانباغ (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مبانی و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
۱۰. جعفری، محمدحسن (۱۳۹۰). «جایگاه حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره اول، تابستان.
۱۱. چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). «هویت دینی جوانان در ایران»، هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۲. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، مطالعات ملی، سال دوم، پاییز، شماره ۵.
۱۳. حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. حقدار، علی‌اصغر (۱۳۷۸). گفتمان فرهنگی سیاسی خاتمی، تهران: شفيعی.
۱۵. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶). «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان.
۱۶. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۷. رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰). «هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی»، سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱، بهار.
۱۸. رضایی، سیدمحمد و محمدصادق جوکار (۱۳۸۸). «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی

- جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۴.
۱۹. رضایی، علیرضا (۱۳۸۹). «شاخص‌های توسعه از منظر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی (ره)»، معرفت سیاسی، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان.
۲۰. شریفی، سیدعلیرضا و عبدالرضا فاضلی (۱۳۹۱). «واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۶۹، بهار.
۲۱. صالحی امیری، سیدرضا و امیر عظیمی دولت آبادی (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۲. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران؛ نقد و بررسی الگوهای موجود و ارائه الگوی مطلوب، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳. صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله و قاسم زائری (۱۳۸۹). «بررسی گفت‌وگوهای فرهنگی پساانقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه سیاست فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۴. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: قومس.
۲۵. طیبی توکل، حسن (۱۳۹۰). مجموعه قوانین و مقررات برنامه‌های پنج‌ساله اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فردوسی.
۲۶. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «تحلیلی بر سیاست خارجی دکتر محمود احمدی‌نژاد»، راهبرد یاس، شماره ۱۴، تابستان.
۲۷. فرزانه‌پور، حسین و پیمان زنگنه (۱۳۸۸). «مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران: گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، بهار.
۲۸. قبادی، خسرو (۱۳۸۳). «عوامل بحران‌ساز هویت ملی در ایران»، هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۹. کریمی، علی و میثم بلباسی (۱۳۹۳). «بررسی برجستگی عناصر هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴) جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان.
۳۰. کریمی، علی و سمیه قاسمی طوسی (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان.
۳۱. مرادی، علیرضا (۱۳۹۰). «نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی»، مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۵۳ و ۵۴، خرداد و تیر.
۳۲. مشبکی، اصغر و علی‌اکبر خادمی (۱۳۸۷). «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال نهم، شماره ۴، زمستان.
۳۳. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). «هویت، تاریخ و روایت در ایران»، ایران: هویت، ملیت، قومیت، به اهتمام حمید احمدی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۳۴. ملایی، اعظم و علیرضا ازغندی (۱۳۹۰). «دولت- ملت‌سازی ایرانی؛ تداوم تاریخی یا تغییرات سیاسی»، علوم سیاسی، شماره ۱۵، تابستان.
۳۵. منوچهری، عباس (۱۳۹۲). رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
۳۶. میلر، دیوید (۱۳۸۳). ملیت، ترجمه داوود غرایاق زندی، تهران: تمدن ایرانی.
۳۷. وحید، مجید (۱۳۸۶). «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی»، فصلنامه سیاست، سال ۳۷، شماره ۳، پاییز.
۳۸. هرمیداس‌باوند، داود (۱۳۸۴). «زبان و هویت ملی»، مجموعه مقالات گفتارهایی درباره زبان و هویت، به اهتمام حسین گودرزی، تهران: تمدن ایرانی.
۳۹. همایون، محمدهادی و نادر جعفری هفتخوانی (۱۳۸۷). «درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی؛ درس‌هایی برای سیاست‌گذاران»، اندیشه مدیریت، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان.

ب) منابع لاتین

1. Edensor, Tim (2002). *National Identity, Popular Culture and Everyday Life*, New York: Berg .
2. Hall, S. (1992). "The Question of Cultural Identity", in S. Hall, D. Held and T. McGrew (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity Press and Blackwell in association with the Open University .
3. Hall, S. (1996). "Introduction: Who Needs Identity", in S. Hall and P. du Gay (eds) *Questions of Cultural Identity*, London: Sage .
4. Hechter, M. (2004). *Containing Nationalism*, Oxford: Oxford University Press .
5. Kennedy, Paul and Catherine J. Danks (2001). *Globalization and National Identities: Crisis or Opportunity?*, London: Palgrave Macmillan .
6. McCrone, D. (1998). *The Sociology of Nationalism Tomorrow's ancestors*, International library of sociology, London: Routledge .
7. Norbu, Dawa (1992). *Culture and the Politics of Third World nationalism*, London: Routledge .
8. Oyserman, Daphna (2004). *Self-concept and Identity in Self and Social Identity: Perspectives on social psychology*, Brewer, M. B. & Hewstone, M. Malden, MA: Blackwell Pub .
9. Sarup, M. (1996). *Identity, Culture and the Postmodern World*, Edinburgh: Edinburgh University Press .
10. Smith, A. D. (1991). *National Identity*, London: Penguin books .
11. Woodward, K. (1997). *Identity and Difference*, London: Sage and Open University Press .
12. Woodward, K. (2000). *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London: Routledge .